

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

تحویلی آنها

نام کتاب احکام نجوم = اتصالات کواکب و قرانات و

مؤلف متن اختیار الدین محمد بن محمد ملقب به اختیار محشی

شارح ... مترجم

تاریخ تحریر ۹۰۲ و ۱۰۴۱ ق ① نوع خط نستعلیق تحریری تعداد سطر مختلف الا...

نام کاتب ابوالحجة بن حسین لواسانی *

موضوع نجوم زبان فارسی عدد اوراق ۲۹

طول ۱۶ عرض ۱۲ شماره عمومی ۹۹۷۸

وقفی / خریداری دکتر شمس الدین جزائری تاریخ وقف شهریور ۱۳۴۸

ملاحظات نسخه ناقص الاول است و از آخر نیز ناتمام
رها شده ...

* لواسانی کاتب اوراق نونویس شده است

① تاریخ ۹۰۲ به قرینه ضمیمه و تاریخ ۱۰۴۱ ق تاریخ اوراق نونویس است / فهرستواره منزوی ۳۰۷۶/۴ و آستان قدس ۱۱/ ۳۴۳

۸۷

۹۹۷۸ مجموعه

۱- احکام القرانات ناقص

۲- احکام کواکب سبعه تالیف در ۹۰۲ ق

۳- روزنامه در جهت نیکو نمودن امور از ابو معشر بلخی

۴- شرح مبادی الاصول از شیخ محمد جزائری

۵- رساله در منطق ناقص

۶- تشریح الافلاک شیخ بهائی

۷- الخطبة المونقة منسوب به حضرت علی

۸- رساله در تکبیر

کاتب محمد ابوالحسن بن حسین لواسانی تو در ۱۰۴۱ ق

۶۸/۵/۱۲

طول ۱۶ عرض ۱۱

۸۷





کتابخانه آستانقدس

عربی فارسی

اسم کتاب مجموعه

مصنف شیخ بهائی وغیره

مؤلف

خطی نستعلیق مختلف السطر

چاپی

سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ۸۷

جزء کتب مجامیع .... شماره

شماره عمومی ۹۹۷۸ .... شماره قبض

واقف دکتر شمس الدین جزایری تاریخ وقف شهریور ۱۳۶۸

طول ۱۶ .... عرض ۱۲

۸۷

شود و در سال اول مردم بغایت متفرق و پریشان احوال باشند و گرانی و قحط در بعض
اقالیم واقع شود و [illegible] که منسوب باشد باین دو کوکب و طالع قران و برج قران
بزرگان نیز باشند و در بعض مواضع ارزانی باشد و ظلم و تعدی که از پیش بوده باشد
کم شود و این تاثیرات و تغییرات بحسب کوکب مستقل بود و تاثیر این قران بیست
سال بود تقریبا والله اعلم بالصواب احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثه آتشی قران
مشتری با زحل دلیلست بر خروج کسانی که در دین و ملت سخن گویند
و انتقال دولت از خانه دانی بخانه دانی دیگر و رفتن مردم سفله و فرومایه و تفرق
و تشویش حکام و اکابر و اشراف و بدی هوا و تفاوت نرخها و بیماریها [illegible]
و تغییر و تبدیل بعض عادات و پیدا شدن سلاطین و حکام عادل و معموری مساجد
و مدارس و فتنه و تشویش در اکثر بلاد و بیشتر این تاثیر در جهت مشرق و بعض از
اقلیم اول و دوم بفعل آید والله اعلم تتمه قرانات با زحل در مثلثه آتشی مریخ
دلیلست بر فتنه و تشویش لشکریان و بسیاری محاربه و بزرگ شدن دولت
اسلام و سوختن مواضع و موت اکابر و ملال صحرانشینان و عمارت و [illegible]
پایها و میان احشام و نقصان بارندگی و روان شدن درم قلب و ملال خاطر
وزرا و ارکان دولت و ظلم حکام و داروغگان و کدورت خاطر سلاطین و امرا و
دولت و تغییر هوا و بیماری و خوف و هراس در خلایق خاصه روستاق و [illegible]
و فاسد شدن خون در امزجه و اکثر این تاثیر در طرف مشرق و بعض از اقلیم اول [illegible]
بظهور آید والله اعلم تتمه احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثه آتشی قران زهره
دلیلست بر سهما در وقت خود و بیماری زنان و دختران و ملال اهل طرب و [illegible]

نکاحها و بی رغبتی و دشواری وضع حمل و خصومت ازواج و تفرقه و تشویش خلایق خاصه
اهل اسلام و ملال و پریشانی ندیمان و تفاوت نرخها و پیدا شدن ابرهای تیره
و فساد اشجار و اثمار و لهو و طرب در مشایخ و ارباب خانه دانهای قدیم و صحرانشینان
و کسادی بازار امتعه و البسه و تغییر هوا و آمدن کاروانها و آوردن برده و عقاقیر
والله اعلم تتمهٔ احکام قرانات با زحل قران عطارد با زحل دلیلست بر خصومت
هوا و فساد حال دبیران و اهل قلم و نوشتن مثالها اثر و بر و کثرت اراجیف و زدن
فلوس و برنج و زحمت محترفه و آمدن کاروانها و ملال تجار و بازرگانان بی نفع و محاسبه
و مناظره و تقریر میان متصرفان و عمال و منصرفان و مزارعان و ناراستی عدول
قضاة و باد و باران و رعد و برق در وقت خود و فساد کشت و زرع و تفاوت
نرخها و بیماری از هر نوع خاصه صرع و مالیخولیا و امراض دماغی و هواس والله اعلم
احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثهٔ خاکی قران مشتری و زحل دلیلست بر ترقی
ارباب خانه دانهای قدیم و خداوندان ضیاع و عقار و قوه حال مشایخ و سجاده
نشینان و صحرانشینان و فراخی اطعمه و بسیاری زراعت و عمارت و انتقال ملک
و دولت و خسف و زلزله و توسط بارندگی و فساد بعضی نباتات و اختلاف هوا
و سرما در وقت و بیماری دراز و پیدا شدن رسولان و انبیا و مجددان و اغلب این اثر
میان مشرق و جنوب و اقالیم اول بود والله اعلم قران مریخ و زحل دلیلست بر سر کردا
و بدحالی لشکریان و امرا و اهل صلاح و انگیختن فتنه و بسیاری ظلم و فوت گرفتن
شدگان و گرفتاری دزدان و ملال راه داران و بیماریهای مخوف و جراحت
و بریدن اعضا و قتل ناحق و فتنه و شبیخون و حرب و مصادرهٔ توانگران و موت

الکابر

اکابر و خوف و هراس در صحرانشینان و اهل قلاع و جبال و گرمای باران و فساد اشجار و اثمار و نباتات
و بیم و زلزله و پدید آمدن یخ و بیشتر این اثر در اقلیم اول و سوم از قوت بفعل آید والله اعلم تمت
احکام در قرانات کواکب در مثلثهٔ خاکی قران زهره با زحل دلیلست بر رنج و مشقت خاتونان و بدحالی
خادمان و ناراستی مطربان و دشواری وضع حمل و ناسازگاری ازواج و رغبت مشایخ بنکاح
و فرح پیران و زاهدان و فساد میوه و ریاحین و سرما در وقت و ابر و تاریکی هوا و نقصان
بارندگی و کسادی بازار عطریات و ارزانی امتعه و البسه و اندوه خلایق و عفونت آب و ...
و اغلب این اثر در اقلیم پنجم و آذربایجان و دشت عرب بود والله اعلم قران عطارد با زحل
دلیلست بر تفرقه و تشویش و بیماری اهل قلم و اصحاب دیوان و خطا در معالجات اطبا و احکام نجوم
و زحمت تجار و وکلا و تفرقه محترفه و فتنه و حرب و مکر در بعضی مواضع و کثرت اراجیف و تهمت
و دروغ و ناایمنی راهها و وهم کاروانیان و خرید و فروخت ضیاع و عقار و بیماری اطفال
و فساد کشت و زرع و کسادی بازار کتان و تغییر هوا و سرما و باد و باران در وقت ناگاه
و گرفتاری دزدان و اکثر این اثر در اقلیم اول و ششم و هفتم بود والله اعلم احکام قرانات کواکب
با زحل در مثلثهٔ بادی قران مشتری با زحل دلیلست بر قوه ارباب دین و مباحثه و مناظره
در علوم ظاهر و اگر در برج دلو بود بحث در علوم دینی و حکمت کنند و اگر در برج جوزا بود
مردمان در علم طب و خط و حکمت و ریاضیات و رزم و بزم و شعر و موسیقی راغب باشند و اگر در برج
میزان بود محظوظ و شکی در اکثر مواضع پیدا شود و مردمان شریف ذلیل شوند و باران باعتدال
آید و پادشاهان عادل ظهور کنند و خاندانهای قدیم رونق پذیرد خاصه در جانب مغرب
والله اعلم قران مریخ با زحل دلیلست بر محاربه و مقابله و اراجیف و بدی هوا و بیماری
از غلبهٔ خون و صفرا و سودا و خطا در معالجات اطبا و خواست و ظلم بر رعایا و قتل معارف

باران و پیدا شدن آتش در هوا و فساد اشجار و خرابی مواضع و بدحالی دزدان و بدکاران
شتی مردم در کار دین و سرما در وقت خود و تفاوت در نرخها و کسادی بازارها و ملال
حمت روستاق و اهل قلاع و جبال از لشکریان و تفرقه عامه و قتلها پنهانی و موت پیران و غارت
شیخون در کوه پایها و بیشتر این اثر در مغرب زمین و اقلیم سوم بظهور آید والله اعلم تتمه احکام
انات کواکب با زحل در مثلثه بادی قران زهره و زحل دلیل است بر زحمت خواتین و نکبت
ان و ملال مخنثان و مخالفت ازواج و بدحالی عطاران و بزازان و پیدا شدن ابرها
سیاه و باران و سرما در وقت خود و آفت زنان حامله و سودها در روستاق و میل مشایخ
بنکاح و عشق بازی و ملال و بی رونقی اهل طرب و بسیاری اتکه و بیماری و موت دختران و بیشتر
ن اثر در اقلیم پنجم و دوم بود والله اعلم قران عطارد با زحل دلیل است والله اعلم بر بیماری بندگان
علما و تی و عمال و وکلا و ملال اطبا و اهل نجوم و کثرت اراجیف و گواهیها دروغ و کسادی بازارها
رسیدن لکار روانها و نباتات و ابر و باد و باران خاصه در زمستان و بهار و میل مردم
بعلوم دقیق و بیماری اطفال از ترس و سودا و زحمت و تنگ دستی محترفه و دعویها باطل
و دریغ چهارپایان و مکر و حیل میان خلایق و بیشتر این اثر در بلاد هند و اقلیم ششم و هفتم بظهور
آید والله اعلم احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثه آبی قران مشتری و زحل دلیل است بر رفعت
و منزلت یافتن فرومایگان و انتقال ملک و دولت بمردم عوام و دونان و مخالفت میان
ملوک و حکام و خروج قومی بر سلاطین ~~و بسیاری~~ و بسیاری آبها و تفاوت نرخها و بدحالی
مسافران دریا و آفت کشتیها و سرما و باد و باران در وقت خود و خرابی مواضع بواسطه
زیادتی آب و پیدا شدن سلطان عادل و اغلب این تاثیر در جانب شمال بود والله
اعلم قران مریخ و زحل دلیل است بر فتنه و تشویش و مخالفت قومی با بزرگان خود و جنبش
مردم سفله

مردم که و قتل بزرگان و خرابی مواضع و نکبت خوبان و دزدان و فساد مسافران دریا و بدحالی لشکریان
و خروج مدعیان سفله و قوت لشکر بیگانه و زحمت خانه داران قدیم و صحرا نشینان و تفرقه علما
و وزرا و قضاة و باد انهار مجرب و وهم و تفرقه در اهل قلاع و جبال و بیماریها مخوف و زیان
مزروعات و اغلب این تاثیر در اقلیم سوم و طرف شمال بود والله اعلم تتمه احکام قران با زحل در
مثلثه آبی قران زهره و زحل دلیل است بر بسیاری بارانها و زیادة شدن آبها و شکستن کرما
و زیان میوها و نباتها و گلها و بیماری از سردی و بلغم و پیدا شدن علت در زنان و مرض
در زنان و دختران و بسیاری کشت و زرع و فراخی اطعمه و اشربه و نشاط در پیران و توبه
مطربان و فساد حال زنان بدکار و خلاصی محبوسان و میل مردم بسفر دریا والله اعلم قران عطارد
و زحل دلیل است بر ابر و باران و سرما و تگرگ در وقت خود و زوال نباتات و بدحالی مسافران
دریا و آمدن کاروانها و کسادی بازارها و اراجیف و رونق آبکاران و شراب داران
و قوه حال دهاقین و صحرا نشینان و بیماری اهل قلم و تجار و زحمت و فقر و ماندگی اهل محکمه
و نیز گفته اند که در بعضی ممالک خشک سال بود و نرخها گران گردد و نیز دلیل است بر نوشتن
خطوط دروغ و گواهیها ناحق والله اعلم احکام قرانات کواکب در مثلثه آتشی قران
مریخ و مشتری دلیل است بر قوه حال ارباب صلاح و امرا و جمع آمدن عساکر خاصه
در طرف مشرق و ملال و زحمت وزرا و ائمه و اشراف از امرا و ارباب صلاح
و مصادره توانگران و قتلها بر وجه قصاص و عدل در سلاطین و حکام و زدن دراهم
و فراخی اطعمه و گرمی هوا و بیماری از غلبه خون و صفرا و حرارت و حده در مزاج خلایق
و مخالفت میان امرا و وزرا و اکثر این در طرف مشرق و خراسان و عراق و اقالیم دوم
و سوم ظاهر شود قران زهره و مشتری دلیل است بر جمعیت و بر فاقیت خلایق

[illegible] الرجه [illegible]

المتوسط [illegible] سمت اعلى

وصلاح زنان و توبه اهل طرب و بسیاری مناکحات و مواصلات و امانت و دیانت در مردم
و قوت دین اسلام و میل بزرگان و اشراف و شادی علما و قضاه و توانگران و راستی
میان مردم و داد حکام و اجابت دعاها و اعتدال هوا و تن درستی خلایق و فراخی
اطعمه و میل بخیرات و صدقات و رسیدن مسافران از اطراف و هوا و الله اعلم
تتمه احکام قرانات کواکب با مشتری در مثلثه آتشی قران عطارد و مشتری
دلیلست بر رونق کار خوبان و محترفه و پیران و متصرفان و تجار و راستی و امانت
در عدول و آمدن کاروانها و بسیاری بیع و شری و معاملات با منفعت و ارزا
و فراخی اطعمه و راست آمدن معالجات اطبا و احکام نجومی و گفتن سخنان حق
و رونق کار اهل قضاه و الله اعلم احکام قرانات کواکب با مشتری در مثلثه خاکی قران
مریخ و مشتری دلیلست بر فتنه و تفرقه میان بزرگان و ملال و کلفت معارف
و الیه و قضاه و وزرا و اراجیف و فساد اشجار و تری هوا و آفت مزروعات خاصه
از ملخ و بیماری از گرمی و تشنگی و موت ارباب صلاح و ملال وزرا و توانگران از
امرا و لشکریان و فساد نباتات و بی رونقی دار الاحتساب و اغلب این احوال
در اقلیم دوم و سوم ظاهر شود و الله اعلم تتمه احکام قرانات کواکب با مشتری در مثلثه
خاکی قران زهره و مشتری دلیلست بر نیکویی اهل طرب و زینت و تکلف علما و فقها
و میل سادات و قضاه و بزرگان بمناکحات و مواصلات و بسیاری ضیافتها
و جمعیتها و اجابت ادعیه و فراخی اطعمه و شیرینی و رواج بازار امتعه و ابریشمه
و اعتدال هوا و صحت بیماران و ایمنی و تن درستی و صلاح کشت و زرع و بسیاری
عمارات و راستی و انصاف خلایق و رونق دار الشرع و الله اعلم قران عطارد

[illegible] بجز اده [illegible] امروز [illegible] شب آمده
ان ماه [illegible] امروز

۴

و مشتری دلیل است بر رواج بازارها و فراخی و ارزانی حبوبات و نباتات و سعادت
حال وزرا و الیه و قضاه و قوت حال اطبا و منجمان و شعرا و رواج محترفه و بازرگانان
و معاملات با منفعت و رواج کتاب و خوشحالی اهل قلم و آمدن اخبار راست و دوستی میان
وزرا و نویسندگان و راستی و امانت عدول و ایمنی و تن درستی و بارانهای معتدل در وقت
خود و جستن بادها و اعتدال هوا و الله اعلم احکام قرانات کواکب با مشتری در مثلثه بادی قران
مریخ و مشتری دلیل است بر فتنه و آشوب و اراجیف و خصومت میان بزرگان و امرا و وزرا
و زحمت قضاه و اشراف از لشکریان و ارباب صلاح و تری هوا و جستن بادهای گرم از حد
و سرخ باد و بیماری از غلبه خون و صفرا و حصبه و آبله و دنبل و جراحت و محاربه و مقاتله
و مصادره توانگران و موت اشراف و فساد اطعمه و ظهور آتش در هوا و توسط
باران و فتنه بهار ناحق و الله اعلم قران زهره با مشتری دلیل است بر قوه دین اسلام
و جمعیتها و خیر و رفتن مردم بمزارات و زیارات و اجابت دعاها و امانت و دیانت و خیرات
و طاعات و نشاط و طرب در بزرگان و قیمت گرفتن عطریات و ملبوسات و اعتدال هوا
و جستن بادها و اظهار خوشی و تن درستی خلایق و ایمنی اشجار و اثمار از آفات هوایی و راستی و رونق
احکام شرع و توبه مفسدان و بدکاران و بسیاری مناکحات و مواصلات و اسباب معیشت
و ایمنی و تن درستی خلایق و صحت بیماران و موافقت ازواج و الله اعلم تتمه احکام قرانات
کواکب با مشتری در مثلثه بادی عطارد و مشتری دلیل است بر سعادت حال وزرا و اهل قلم و مستوفیان
و متصرفان و عمال و تجار و اهل بازار و مباحثه و مناظره میان علما و رونق متکلمان و آمدن
کاروانها و بسیاری برده و رسیدن اخبار راست و اعتدال هوا و صحت بیماران خاصه
کودکان و سلامتی اشجار و اثمار و فراخی اطعمه و راست آمدن احکام نجومی و معالجات

اطبا و راستی در عدول و رواج بازار کتاب والله اعلم تمه احکام قرانات کواکب با مشتری در مثلثه
بادی قران عطارد و مشتری دلیل است بر بدی حال مسافران دریا بار و قصد امرا و لشکریان
بر وزرا و ائمه و قضاه و نقصان توانگران و اگر در عقرب بود قوت حال لشکریان و راه داران
بود و اگر در سرطان واقع شود دلیل است بر خلاص محبوسان و قوت سفله گان و اگر در حوت
واقع شود دلیل است بر تفرقه و شورش وزرا و سادات و قضاه و منهزم بودن توانگران از
اهل سلاح و آشوب و فتنه خاصه در اقلیم دوم و ششم و خراسانات والله اعلم تمه احکام قران
کواکب با مشتری در مثلثه آبی قران زهره و مشتری دلیل است بر قوه حال وزرا و سادات
و قضاه و ائمه و تجار و جمعیت خواتین و صلاح حال خادمان و باران نافع در وقت خود و اعتدال
هوا و صحت بیماران و افزون رفاهیت خلایق و فراخی و ارزانی و نیکویی سفر دریا و بسیاری نباتات
و میوه و اطعمه و شیرینی و اگر در برج حوت بود دلیل است بر ترقی حال وزرا و نیکی حال خواتین
بزرگ و عدول حکام و نیکی حال عامه و فایده در سفر دریا والله اعلم قران عطارد و مشتری
دلیل است بر خوشی حال اهل قلم و تربیت یافتن این طایفه از وزرا و نیکی حال مسافران دریا
و بیشه و بیع و شری نباتات و جواهر آبی و آلات کتابت و ادویه و رونق کار اطبا و منجمان
و باران در وقت خود و ارزانی نرخها و خرید و فروخت باغ و املاک و اجتماع بندگان جهت
صلاح کارها و بودن بحث و مناظره زهاد و فقها و اهل ریاضیات و میل مردم به شعر و موسیقی
و آمدن اخبار راست والله اعلم احکام قرانات کواکب با مریخ در مثلثه آتشی قران زهره
و مریخ دلیل است بر فساد حال زنان و بی باکی ایشان و محاربه و مقاتله در بعضی مواضع
و کثرت فسق و فجور و رغبت مردم به کارهای ناستوده و آشکارا شدن فواحش و بیماری از غلبه
خون و صفرا خاصه در خاتونان و دختران و خادمان و نکاحهای فاسد زنان مستوره و دلبری
زنان بدکاره و نقصان بارندگی و تری هوا و غلبه کردن دزدان و زنان خاینه و میل امرا و لشکریان

برزنان

و بسیاری لهو و لعب و بی باکی در خلایق والله اعلم قران عطارد و مریخ دلیل است بر ساختن آلات
حرب و حرکت لشکریان و غضب و حدت در مزاج عامه و ملال و زحمت اهل قلم و عمال و تجار و اهل بازار
و تهمت و خیانت میان خلایق و محاسبه وکیلان و مستوفیان و متصرفان و کثرت اراجیف و اخبار مخوف
و فتنه و غوغا در اقلیم سوم و ششم و شهرهای که به مریخ و عطارد منسوب بود و زدن فلوس و درم قلب
و ظهور طراران و کیمیاکاران و دراغ و بلاء دواب و بیماری اطفال و عفونت هوا و گرفتاری دزدان
والله اعلم احکام قرانات کواکب با مریخ در مثلثه خاکی قران زهره با مریخ دلیل است بر دلیری دزدان
و کثرت فسق و فجور و فاش گشتن لهو و لعب و فساد نباتات و تری هوا و تفاوت نرخها و بیماری
زنان و دختران و ناسازگاری ازواج و طلاق و فراق بسبب عاشقی و اگر در برج جدی باشد
دلیل است بر قوه حال امرا و لشکریان و بدست آوردن ولایات و اگر در برج سنبله بود دلیل است
بر فساد حال بازرگانان و عطاران و نقاشان و خطاطان و تفرقه حال اطبا و منجمان والله اعلم
قران عطارد با مریخ دلیل است بر خروج مفسدان و نا ایمنی و غلبه کردن دزدان و طراران
و نقصان بازرگانان و ملال و زحمت دبیران و متصرفان و کثرت اراجیف و بدحالی متصرفان
و وکیلان و آفت دواب و نقصان باران و خوف اهل قلم و ارباب دیوان از امرا و لشکریان و اگر
در سنبله بود دلیل است بر طلب و خواست و ظلم بر رعایا و فساد نباتات والله اعلم تمه احکام
قرانات کواکب با مریخ در مثلثه بادی قران زهره با مریخ دلیل است بر فساد حال مغنیان
و مطربان و کثرت فسق و فجور و خصومت ازواج و آفت اشجار و بیماری و اسقاط اجنه و نکاحها
بزور و آشکارا شدن فواحش و دلبری زنان بدکاره و تباه شدن میوه ها و آفت ریاحین
و ارزانی اقمشه و البسه و اگر این قران در برج میزان واقع شود فساد کمتر باشد و رونق
مطربان و بادهای معتدل وزد و اگر در برج دلو بود دلیل است بر ملالت مشایخ و ارباب

وخورشهای عامه والله اعلم قران زهره و عطارد در مثلثه خاکی دلیلست بر بسیاری بیع وشری
اطعمه وحبوبات وامتعه والبسه وسلامتی نباتات از آفات سماوی وبسیاری غله وارزانی
و فراخی وآمدن کاروانها وکثرت اخبار ورونق مشعبدان وبازی گران وکمی باران وسرما
وزخشک در وقت خود ونشاط دبیران واهل قلم ومایل بودن این طایفه بزراعت وعمارت
وبدست آوردن املاک واسباب واگر در برج سنبله باشد اطعمه بسیار بود واگر در برج
ثور بود انبارها نهند والله اعلم احکام تثلیثات آفتاب و زحل وتسدیسات تثلیث وتسدیس
دلیلست بر بزرگی وریاست یافتن فرزندان مالکان وصحرانشینان ورونق خاندانهای قدیم
ونیکی حال مزارعان وتربیت یافتن روستا واحشام واهل قلاع وجبال از سلاطین
وسروران وکم شدن جور وستم وترحم حکام بر رعایا وزیردستان وقوت پیران وتربیت
یافتن صوفیان وگوشه نشینان از سلاطین وموافقت در بزرگان واین اثر در تثلیث
زیادت باشد والله اعلم تثلیث وتسدیس زهره و زحل دلیلست بر موافقت والفت میان
زنان وشوهران وفرح مشایخ ودهاقین ومیل پیران وخانه داران قدیم بنکاح وعشرت
ونشاط در این طایفه وبسیاری عقد در فاب وبیع برده وکد آب و فراخی وارزانی اطعمه
وبسیاری وکسادی البسه وامتعه واعتدال هوا در تابستان وسرما وباران در زمستان
وبودن سودها در احشام ودروستاق وتسلط اهل قلاع وجبال والله اعلم احکام
تثلیثات وتسدیسات تثلیث وتسدیس عطارد و زحل دلیلست بر قرار گرفتن
کارها وبستن عهدها ونوشتن عهدنامها ورونق اهل بازار وپیشه کاران وبیع املاک وبرده
ورواج کار حکام وعلما وتغییر در هوا وشکستن گرما در تابستان وسرما وبارندگی در زمستان
وجستن بادهای خشک ونوشتن قبالها وسنفت دیوانیان بر روستاق ونشاط اهل

خاندانهای قدیم والله اعلم قران عطارد با مریخ دلیلست بر زحمت ومشقت دبیران
ومستوفیان وعمال وتجار واهل بازار وغضب امرا بر اهل قلم وپیدا شدن ظلم از لشکریان
وملال شعرا وندما وفضلا وکشتن وکنش بجوها وکثرت اراجیف وبیع برده ودواب وبیماری
از گرمی وخشکی وغلبه خون در امزجه وسرخ باد وصرع ومالیخولیا وبی رواجی بازار کتاب
ومکاتب وخطا در معالجات اطبا واحکام نجومی وبسیار افتادن دزدان وخونیان وفاش شدن
خونها والله اعلم احکام قرانات کواکب با مریخ در مثلثه آبی قران زهره ومریخ دلیلست بر فساد آبها
وحیوانات آبی وبدحالی زنان بدکار وموت کودکان ونکاحهای بی بنیاد وسرما وبارندگی در
وقت واختلاف هوا وآفت نباتات وعفونت آبها وگرفتاری وبی باکی در اهل فسق وفجور وبدنامی
زنان بزرگان واگر این قران در برج سرطان واقع شود دلیلست بر خلاصی محبوسان واگر در برج
عقرب بود ملال وزحمت مسافران دریا وبدکاران بود قران عطارد ومریخ دلیلست
بر غرق شدن کشتیها وبدحالی مسافران دریا وزحمت منصرفان وعمال وتجار وشراب داران
وبدی آب وهوا وکثرت اراجیف وپیدا شدن بخار وتاریکی در هوا وبیماری وسستی اعضا وکند
زبان وظلم وطلب وخواست از رعایا وتهمت بر مردم واگر قران در برج حوت واقع شود
بدتر باشد خاصه سفر دریا واگر در برج عقرب واقع شود تند رسلامتی کشتیها بود واگر
در برج سرطان بود دلیلست بر بسیاری دزدان وخیانتها والله اعلم قران کواکب با عطارد
و زهره در مثلثات آتشی قران زهره وعطارد دلیلست بر رونق کار پیرایه گران ونقاشان
وعطاران وبزازان واهل بازار وبسیاری جواهر وبرده واعتدال هوا وابر وتاریکی ودم وبرق
ورعد وبرق در وقت خود وافتادن عداوتها وافتادن ~~عداوتها~~ عشق بازیها میان دختران
وپسران وارزانی وفراخی مطعومات ومأکولات خاصه گوشت وشیرینی ونشاط اهل قلم ورسیدن

اخبار راست

ونشاط اهل قلاع وصحرانشینان وبسیاری اعمال واشغال وکیلان ورسیدن اخبار والله
اعلم تثلیث وتسدیس مریخ ومشتری دلیل است بر موافقت ودوستی میان امرا ووزرا
وترتیب یافتن از امرا ولشکریان وقوت کار ارباب سلاح وامرا ورغبت نمودن این طایفه
بخیرات وصدقات وایمنی ورفاهیت وراندن قصاصها وارزانی نرخها وگرمی هوا در تابستان
وسرما در زمستان وعزت گوشت وچربی وترتیب ارباب مناصب از امرا وتوبه پاکان
وشریران واین احکام در تثلیث زیاده باشد تمه احکام تثلیثات وتسدیسات تثلیث
وتسدیس آفتاب ومشتری دلیل است بر قوت حال ملوک وسروران مرفوعی وافزونی
جاه وحرمت واعیان ومقربان ملوک وجاه وترتیب یافتن این طایفه از سلاطین ووالی
وعدل پادشاهان وداروغگان وروایی نقود وبسیاری میراث وصدقات وفراخی وارزانی
وگرمی هوا در تابستان وکم شدن سرما در زمستان والله اعلم تثلیث وتسدیس زهره ومشتری
دلیل است بر رونق اهل ادیان وخروج در حرز والمه وقضاه وتوانگران واشراف وتوبه
اهل طرب وسعادت حال زنان وخادمان وعزت پیرایه وملبوسات وعطریات
وگرانی برده وخوشی معیشت خلائق وارزانی نرخها واعتدال هوا در وقت خود وصحت
خلائق وبازار نافع در وقت وموافقت وراستی میان ازواج وشرکا ودعوتها وضیافتها
وبسیاری مناکحات ومواصلات والله اعلم تمه احکام تثلیثات وتسدیسات تثلیث وتسدیس
عطارد ومشتری دلیل است بر رونق اهل فضل وعلما ومتکلمان وفقها وشعرا
وقوت حال دبیران ومستوفیان ومتصرفان وبازرگانان وترتیب یافتن این طایفه
از وزرا وبزرگان وامانت وراستی میان مردم وتیزی بازارها وخرید وفروخت
بانفع وایمنی راهها وخبرهای راست ورونق مساجد ومدارس وراست آمدن معاملات

اطبا

اطبا واحکام نجومی وارزانی واعتدال هوا ورواج بازار کتاب والله اعلم تثلیث وتسدیس
آفتاب ومریخ دلیل است بر قوت حال امرا ولشکریان واهل سلاح وترتیب یافتن این طایفه
از سلاطین وحکام وساختن کار عساکر وعرض آلت حرب وایمنی خلایق وگرمی هوا
در وقت خود وشکستن سرما در زمستان وحرارت ویبوست در امزجه خاصه در مزاج
حکام وسروران وفراخی اطعمه ورونق دار الضرب ورواج کار آتش کاران وقیمت
گرفتن گوشت وچربی واده وبها گرم والله اعلم تمه احکام قران عطارد وزهره در مثلثه
بادی دلیل است بر رواج ورونق مستوفیان ودبیران وعمال وتجار ومتصرفان
ومباحثه علما وتیزی بازار برده وحیوانات وعطرها ولباسها ورواج کار شعرا وندما
وجمعیت زنان وقوت وصحت کودکان ونوشتن عشق نامها وسلامتی اشجار واثمار از آفات
وجستن بادهای معتدل وسرما در وقت وآمدن کاروانها ورونق دین اسلام وبسیاری
سوارها وکثرت اخبار واراجیف والله اعلم قران عطارد وزهره در مثلثه آبی دلیل است
بر رسیدن مسافران دریا وبسیاری بیع جواهر آبی ومعموری باغها وبستانها وبسیاری
آبها وبارندگی وسرما در وقت ورونق کار شراب داران ولهو وطرب در عامه واگر
در برج عقرب بود لواطه وفواحشه بسیار بود واگر در برج   شود دلیل است
بر جواهر ولقمه که از دریا بار آرند واگر در برج حوت واقع شود صلاح حال ملاحان
وسلامتی کشتیها بود والله اعلم تمه احکام تثلیثات وتسدیسات کواکب با یکدیگر تثلیث
وتسدیس مشتری وزحل دلیل است بر الفت ومحبت میان ملوک وارکان دولت واهل
مملکت وشفقت وزرا بر روستاق وصحرانشینان واهل قلاع وجبال وصلاح
کارها وکوشیدن سلاطین وحکام وسروران معدل وداد ورعیت پروری

ومیل مردم بخیرات وطاعات وایمنی ووفا بیت مشایخ وتوسط نرخها وبسیاری عمارت
وزراعت واین احکام در تثلیث زیاده باشد والله اعلم مثلث وتسدیس مریخ وزحل
دلیل است بر ترحم ملوک وحکام وامرا واکابر بر زیردستان وضعفا ورعایا وفقرا
ورونق کار احتساب وخوف بی باکان وبسیاری امر ونهی وپدید آمدن حق از باطل
وعمارت یافتن حصارها وقلعها ودوستی وموافقت میان امرا ولشکریان وصحرا
نشینان ومشایخ وساخته شدن مهمات روستا واحشام از امرا ولشکریان وخشکی
هوا وتوسط حال مطعومات ومأکولات والله اعلم تمت احکام تثلیثات وتسدیسات
مثلث وتسدیس زهره ومریخ دلیل است بر بسیاری نکاحها وشهرکنها ومیل امرا ولشکریان
بعشرت ونشاط ودوستی وشفقت ایشان باخواتین واهل طرب وبسیاری ضیافتها
وزینتها ولهو وطرب ولعب وفسق وفجور وشکستن توبهها وعشق بازی میان مردم
وزنان وموافقت ازواج وتغییر هوا ونم وباران در وقت وعزت نجوم ورسوم
وشیرینی وارزانی دیگر مطعومات وبسیاری میوه وبیماریها از غلبه خون وصفرا والله
اعلم تثلیث وتسدیس مریخ وعطارد دلیلست بر رونق دواوین وعمال ومتصرفان
وظهور کیمیاگران وساختن آلت حرب وکثرت اخبار وقوت حال راهداران
ونیز بازارها خاصه بازار اسلحه ودواب وبرده سفید پوست ودینهای علما وفضلا
وشعرا ورواج محترفه وقوت حال اطبا واهل قلم وتنجیم وتربیت یافتن اهل قلم ومستوفیان
از امرا وداروغگان وگرمی وخشکی هوا در تابستان واین اثرها در تثلیث زیاده باشند
والله اعلم تمت احکام تثلیثات وتسدیسات مثلث وتسدیسات عطارد وزهره
دلیل است بر نشاط وخرمی در وزرا واصحاب دیوان واهل بازار وتجار وتبرزی

بازار برده

بازار برده وعطریات والمشة وشبینه ودوستی وعشق بازی میان پسران ودختران
ورونق اهل ساز وموسیقی وخوش حالی شعرا وندما ورونق مطربان وفرح
اطبا ومنجمان وصحت بیماران خاصه طفلان واعتدال هوا ورسیدن اخبار والله اعلم
تمام شد احکام تثلیثات وتسدیسات احکام تربیعات ومقابلات کواکب با یکدیگر
تربیع ومقابله مشتری وزحل دلیل است بر مخالفت میان علما ومشایخ وعداوت
قضاة ووزرا واشراف وتوانگران وخطاب وزرا بار وستاق ومردم خانه دانهای
قدیم وخوف صحرانشینان وقلعه داران وظلم وجور بر رعایا وبیماری وملال معارف
وتجار عظام وتنزل خاندانهای قدیم وخرابی مواضع وفتنه خاصه در اقلیم اول
وتغییر حال ملوک وممالک وتفاوت نرخها ومایل بگرانی وتری هوا واین اثرها
در مقابله زیاده باشد والله اعلم تمت احکام تربیعات ومقابلات کواکب با یکدیگر تربیع
ومقابله مریخ وزحل دلیل است بر فتنه وآشوب ومحاربه ومقاتله وافتادن عداوتها
وناایمنی خلایق وبدحالی دزدان وملال صحرانشینان ومزارعان وشبیخون وغارت
خاصه در کوهپایها وتفرقه وسرگردانی قلعه داران وامرا ولشکریان وبیماری مملکت
خاصه در بزرگان وآفت پیران وخرابی مواضع ومزارع وظلم بر رعایا ونکبت حکام وظاهر
شدن عداوتها وتفرقه اکثر خلایق وفاش شدن خیانتها والله اعلم تربیع ومقابله
آفتاب وزحل دلالت کند بر آشوب وفتنه وتفرقه خاصه در اقلیم اول وچهارم وغضب
ملوک وحکام بر روستاق واهل قلاع وجبال وظلم وطلب از رعایا وانگیختن عداوتها
وخصومتها ورسوا شدن دشمنان ملوک وسختی وبیماری وخوف در ملوک وسلاطین
وسروران مرقوی وحیرت وپشیمانی وتعویق در مهمات خاصه در امور سلطنت ودیع

و تغیر هوا و سرما و برف و باران مناسب در وقت و این احکام در مقابله زیاده باشد
والله اعلم تمت احکام تربیعات و مقابلات تربیع و مقابله زهره و زحل دلیل است بر مخالفت
ازواج و بیماری و موت زنان و دختران و دشواری وضع حمل و فاش شدن اسرار زنان
و خیانتها و افتادن عداوتها و قبض و کدورت خاندانهای قدیم و فتنه در بعضی
مواضع که از منسوبات زهره بود و اقلیم پنجم و بسیاری امر معروف و ملال اهل طرب
و تهمت بر شاه و فساد اطعمه و میوه و ابرهای سیاه و باران در وقت و کسادی
بازار اقمشه و البسه و رواج ستوران و برده والله اعلم تربیع و مقابله عطارد و زحل
دلیل است بر گفت و گوی و دعویهای باطل و نوشتن خطاها و مثالهای دروغ
به تزویر و گواهی ناحق و فاش شدن خیانتها و زحمت و ملال دیوانیان و اهل قلم
و ناراستی عدول و تفرقه بازاریان و محترفه و کسادی بازار کتاب و عقاقیر
و ملال اهل زراعت از دیوانیان و نویسندگان و کثرت اراجیف و زحمت و ترس
در کودکان و خشکی هوا و ضعف دماغ و سودا و باد و باران و سرما در وقت
تمت احکام تربیعات و مقابلات تربیع و مقابله مریخ و مشتری دلیل است بر ملال و تشویش
امرا و وزرا و حکام و لشکریان و خایف بودن توانگران و اشراف و اعیان از حکام
و داروغگان و تهمت بر وزرا و سادات و قضاه و نقصان و ملال این طایفه و مخالفت
و عداوت میان سروران و بزرگان و نقصان تجار و توانگران و قید و بند
و تغییر و تبدل در بعضی مواضع و فتنه و حرب در اقلیم دوم و سوم و جانب خراسان
و دشت عرب و خواست از رعایا والله اعلم تربیع و مقابله مشتری و آفتاب
دلیل است بر خشم و غضب ملوک و سلاطین بر وزرا و معارف و مصادره توانگران

و اندوه

و اندوه علما و خوف و زحمت سادات و قضاة و مخاطب شدن بزرگان و اعیان و [illegible]
اکابر و تفاوت نرخها و فساد دار الضرب و خواست از رعایا و گرمی هوا در وقت و شکستن
سرما در زمستان و ظلم در صورت عدل و میل حیوانات بگدایی و معزولی ارباب مناصب
و تغییر و تبدیل دار القضا و محاسبه صرافان و ضرابان و زرگران و بیماری از صفرا و خون و زحمت
آتشکاران والله اعلم تمت احکام مقابلات و تربیعات تربیع و مقابله زحل و مشتری
دلیل است بر آشفتگی ازواج و رغبت علما و اهل ورع بطلب طرب و طلب کردن حقوق
شرعی و فاش شدن رازهای پارسایان و تهمت بر ائمه و وزرا و سادات و قضاه و افتادن
منصبها و تفاوت نرخها و اعتدال هوا و بسیاری میوه و شیر و بودن مجالس وعظ
و نصیحت و بیم در فاسقان و بی باکی و خرید و فروخت اقمشه و البسه و نکاحهای غیبت
تربیع و مقابله عطارد و مشتری دلیل است بر ~~[illegible]~~ بحث و مناظره میان علما و تعصب اهل ادیان
و خبث و نفاق در سوآل و بزرگان و نوشتن حجتها و فتویها به تزویر و تغییر نرخها و خیانت
متصرفان و جستن بادها و نم و باران و تغییر هوا مناسب وقت و ناراستی قضاه
و اهل حکم و خطاب و وزرا و صدور با عمال و متصرفان و مباشران و مناظره و تقریر
در میان دیوانیان و رسیدن اخبار از هر نوع والله اعلم تمت احکام تربیعات و مقابلات
تربیع و مقابله آفتاب و مریخ دلیل است بر مخالفت میان امرا و لشکریان و غضب
ملوک بر ایشان و غدر و مکر ایشان با ملوک و ظهور فتنها و عداوتها و حرب مفسدان
و خونیان و قتلهای ناحق و فاش شدن اسرار مخالفان و سلاطین و قتل دزدان
و شبروان و حرب و مقابله و اراجیف و هراس در مردم و دزدیها و زدن راهها و خرابی
مواضع و خوف و تنزل حال سلاطین و نکبت ملوک و موت و بیماری اکابر والله اعلم

تربیع و مقابله زهره و مریخ دلیل است بر رسوا شدن اهل فسق و تهمت و غمز امردان و زنان
و فراق و طلاق ازواج و اسقاط وضع حمل و بیماری و درماندگی خواتین و اهل طرب و نقصان
و بی عرضی بر این طایفه از امرا و ترجمان و تغییر بر جهاد و موت دختران و خادمان و آفت و نقصان
اشجار و اثمار و تغییر هوا و جستن بادها و مضطرب و قبض خاطر و خوف در مردم و کسادی
بازار امتعه و ابریشمه و فتنه در اقلیم پنجم و طرف کرمان والله اعلم تمه احکام تربیعات و مقابلات
تربیع و مقابله عطارد و مریخ دلیل است بر مخالفت و عداوت میان امرا و دیوانیان
و اهل قلم و مخاصمت پیشه شدن عمال و مباشران دیوان و طلب آلات حرب و ظلم بر رعایا و پیشه
کاران و خیانت مستوفیان و کارکنان دیوان و محکمه و قید و بند این طایفه و سیاست یافتن
ایشان و دزدی زانیها و خطا در معالجات اطبا و فساد حال آتش کاران و اراجیف و اندوه
فضلا و عفونت هوا و بیماری کودکان والله اعلم تمام شد احکام تربیعات و مقابلات کواکب
والله الموفق احکام احتراقات کواکب در مثلثات احتراق زحل در مثلثه آتشی دلیل است بر آفت
و نکبت ملوک قدیم خاصه در جانب مشرق و اقلیم اول و چهارم و کشته شدن بزرگان و رنج اکابر
و زحمت خاندانهای قدیم و تفرقه مزارعان و بیچارها در از و تغییر هوا و برف و سرما در وقت
خود و اگر مشتری اینجا بود یا ناظر باشد اطعمه فراخ شود و اگر مریخ باشد مخالفت میان لشکریان
و ملوک پیدا شدن و اگر زهره اینجا بود بیماری و موت بود و اگر عطارد بود ملال و زحمت اهل قلم
باشد و اگر قمر بود بدحالی و تفرقه عامه باشد والله اعلم احتراق زحل در مثلثه خاکی
دلیل است بر فساد حال ملوک و سروران و اکابر خاصه در جانب جنوب و خراسان و تباهی
نباتات و مزروعات و خوردنیها و سرما و تغییر هوا و برف و باران در زمستان و اگر
مشتری اینجا بود یا ناظر باشد فساد کمتر بود و میوه نیکو بود و فراخی باشد و اگر
مریخ

مریخ اینجا بود یا ناظر باشد خشک سال باشد و کاریزها خراب شود و اگر زهره بود بیماری
زنان و ناسازگاری ازواج باشد و اگر عطارد اینجا بود زحمت اهل علم باشد و از بیم بود
و اگر قمر بود بارندگی باشد و رنج مسافران والله اعلم احتراق زحل در مثلثه بادی
دلیل است بر فتنه و تشویش میان ملوک و اکابر در جانب مغرب و عفونت هوا و بیماری
خلایق و برف و سرما و بادهای خشک در وقت و اگر مشتری اینجا بود یا ناظر باشد بادهای
خوش وزد و میوه و اطعمه نیکو باشد و اگر مریخ اینجا بود در جانب مغرب و اقلیم سوم فتنه
و آشوب باشد و اگر زهره اینجا بود اهل طرب و زنان را زیان رسد و آفت اشجار و اثمار
بود و اگر عطارد اینجا بود مردم در علوم دقیق کوشند و اگر قمر بود بارندگی و سرما و تفرقه
عامه باشد والله اعلم احتراق زحل در مثلثه آبی دلیل است بر بیماری و رنج ملوک و سلاطین
در طرف شمال و اقلیم چهارم و فساد حال مسافران دریا و باران و سرما در وقت و آفت پیران
و اگر مشتری اینجا بود یا ناظر باشد سیل دریا بیشتر بود و بازرگانی را نفع بود و اگر مریخ
اینجا بود فتنه و تشویش باشد و بند بزرگان واقع شود و اگر زهره اینجا بود بارندگی و سرما
بود در موسم خود و مرضها پیدا شود از باد و بلغم و اگر عطارد اینجا بود کاروانها
رسد و تیزی بادها بود و اگر قمر بود سیلها خراب کننده آید و تفرقه عامه باشد
والله اعلم تمه احکام احتراقات کواکب احتراق مشتری در مثلثه آتشی دلیل است بر قوت
حال ملوک و سلاطین خاصه در جانب مشرق و زمین خراسان و نکبت وزرا و قضات
و ائمه و فتنها و قتلهای پوشیده و عزت نقود و گرمی هوا در وقت و شکسته شدن
سرما و فراخی اطعمه و اگر مریخ اینجا بود یا ناظر باشد قتلها و حربها در جانب مشرق
و خراسان واقع شود و غضب و تندی بر مزاج ترکان و بزرگان و آلت حرب

عزیز گردد و اگر زهره آنجا بود هوا معتدل شود و میوه نیکو باشد و اگر عطارد آنجا بود
تیزی بازار دواب و صرا[illegible] و اگر قمر آنجا بود ابرها و نمها بود والله اعلم احتراق
مشتری در مثلثهٔ خاکی دلیل است بر قوت ملوک و حکام خاصه در جانب جنوب و داد
و عدل ایشان و فراخی اطعمه و شیرینی و اگر مریخ آنجا بود با ناظر باشد خیانت و ظلم
و خواست باز دید آید و خشکی هوا و غلطی اطعمه و فساد اطعمه و حرکت عساکر
و اگر زهره آنجا بود اطعمه فراخ گردد و سرما در وقت بشود و اگر عطارد آنجا
با ناظر باشد هوا متغیر گردد و اراجیف بسیار گویند و اگر قمر آنجا بود بارندگی
در وقت آید و تفرقه و پریشانی عامه باشند والله اعلم بحقیقة احتراق مشتری
در مثلثهٔ بادی دلیل است بر توسط حال ملوک و ناموس میان مردم و فراخی اطعمه
و نیکی اشجار و اثمار و صحت خلایق و میل مردم بخیرات و طاعات و حرارت هوا و اگر
مریخ آنجا بود با ناظر بود بیماری پیدا شود و از باد گرم و غلبهٔ خون و شب و علامات سماوی
ظاهر شود و اگر زهره آنجا بود بارندگی بسیار برآمدن نکاحها بود و ارزانی میوهای
و تغییر هوا و اگر عطارد آنجا بود بادهای سخت وزد و تیزی بازارها بود و اگر قمر
آنجا بود بادهای سخت وزد و بارندگی بوقت آید والله اعلم احتراق مشتری در مثلثهٔ آبی
دلیل است بر نیکی حال ملوک در جانب شمال و اعتدال هوا و سلامتی مسافران دریا
و بسیاری آبها و فراخی معیشت و اگر مریخ آنجا بود با ناظر باشد فساد کشتیها و حبس
اهل فتنه و آفت حیوانات آبی بود و اگر زهره آنجا بود باران نعمت بسیار آید و انهار زیادت
گردد و ابرهای سیاه ظاهر شود و اگر عطارد آنجا بود بیع و شری بسیار واقع
شود و کارها روا نما آید و اگر قمر آنجا بود بیع و شری بسیار واقع شود و سیلهای خراب کننده

در وقت

در وقت آید والله اعلم بحقیقة احکام احتراقات احتراق مریخ در مثلثهٔ آتشی دلیل است بر غضب
و تندی بر مزاج ملوک و بزرگان و افتادن محاربه و مقابله در جانب مشرق و بعضی از اقلیم سوم
و چهارم و نکبت اکابر و فتنهای پنهانی و مخالفت لشکریان و مرگ حیوانات و فنا و چهارپا و اگر
زهره آنجا بود با ناظر باشد اعتدال هوا و ارزانی نرخها بود و فرح در بزرگان و اگر عطارد آنجا بود
دلیل است بر رعد و برق و بادهای سخت وزد و اگر قمر آنجا بود بخارها و نمها بود و بیع رواج والله اعلم
احتراق مریخ در مثلثهٔ خاکی دلیل است بر آفت ملوک و حکام و اکابر خاصه در جانب جنوب و فرو رفتن قومی
و مخالفت لشکریان با قوم ملوک و خیانتها و دزدی و خرابی مواضع و مزارع و مقامهای عالی و اگر زهره
آنجا بود با ناظر باشد میوه بسیار باشد و بازار پنبه و کتان و ملبوسات نیک باشد و سرما پدید نشود
در وقت و اگر عطارد آنجا بود دلیل بود بر خشکی و سرما و مردن بهایم و بسیاری بیع و شری
برده و اگر قمر آنجا بود باران و سرما بود و قوت نباتات و تردد مسافران والله اعلم احتراقات احتراق
مریخ در مثلثهٔ بادی دلیل است بر بیماری و قتل میان سلاطین و بزرگان در جانب مغرب و افتادن تفرقه
و تشویش و اراجیف و بیماری از غلبهٔ خون و سرخ باد و بدحالی امرا و لشکریان و مخالفان ملوک و فرو رفتن
ستمگران و نکبت دزدان و اگر زهره آنجا بود با ناظر باشد دلیل است بر وزیدن بادهای خوش و باران
و ارزانی اطعمه و البسه و اگر عطارد آنجا بود با ناظر باشد و اگر عطارد آنجا بود اراجیف بسیار گویند و اگر قمر
آنجا بود نم و باران بسیار بود والله اعلم احتراق مریخ در مثلثهٔ آبی دلیل است بر فتنه و مخالفت حکام در جانب
شمال و قوت گردن‌کشان و فرومایگان و غارت و شبیخون و عفونت و فساد آبها و نکبت دزدان
و خونیان و اگر زهره آنجا بود با ناظر باشد ابر و باران و سرما در وقت بود و فراخی و ارزانی باشد
و اگر عطارد آنجا بود بدحالی مسافران بود و هوا متغیر گردد و بازارها کاسد شود و اگر قمر آنجا
بود با ناظر باشد در زمستان سیلهای خراب کننده آید و آبها زیادت گردد و تفرقه عامه باشد

والله اعلم سمه احراقات احتراق زهره در مثلثه آتشی دلیل است بر ملال و بیماری زنان و مطربان
و خادمان و غصه و تشویش در اقلیم پنجم و مواضع که بزهره منسوب بود و ظهور تهمت و نکاحها
بی رغبت و قیمت گرفتن بعضی ملبوسات و اعتدال هوا و عشرت و نشاط میان سلاطین
و حکام و خطاب نمودن با خادمان و بیماری دختران از صغر او حرارت و اگر عطارد آنجا
بود دلیل است بر زدن سکه و بسیاری بیع جواهر و اگر قمر آنجا بود اختلاف هوا و نم و سرما
در وقت بود والله اعلم احتراق زهره در مثلثه خاکی دلیل است بر فساد نباتات و رنج و تفرقه جنوب
خواتین و اهل طرب خاصه در جانب شمال و اقلیم سیم و بسیاری نکاحها و بیماری اطفال و رنج
گاو و گوسفند و فساد اطعمه و شکوفه و میوه و سرما در وقت و اگر عطارد آنجا بود دلیل است
بر فتنه و تشویش و اراجیف و تفاوت نرخها و تغییر و تبدیل حال عامه و اهل بازار و اگر قمر
آنجا بود باران بسیار بود و سرما در وقت نباشد و طعمه فراخ و بسیار بود والله اعلم احتراق
زهره در مثلثه بادی دلیل است بر ملال و بیماری خواتین و زحمت و تفرقه زنان و خادمان
خاصه در جانب مغرب و نقصان و فساد برده و جستن بادهای خوش و کثرت بناهای
و اگر عطارد آنجا بود یا ناظر باشد دلیل است بر بیع و شری جامهای بی قیمت و دروغ ندما
و شعرا و مغنیان و اگر قمر آنجا بود یا ناظر باشد سرما بود و جنبیدن بادها و رسیدن مسافران
و دروغ میان عامه و رسولان والله اعلم احتراق زهره در مثلثه آبی دلیل است بر کثرت
توالد و تناسل و اگر در برج عقرب بود فساد حال زنان بدکار بود و تفرقه زنان
حامله و بارندگی و اگر در برج سرطان بود ارزانی جواهر آبی و عشرت و طرب
در عامه و اگر در حوت بود دلالت کند بر نیکی سفر دریا و خوف و جمعیت خواتین
خاصه در ناحیت شمال و اگر عطارد آنجا بود بارندگی و آمد شد مسافران باشد
و اگر

و اگر قمر بود بسیاری آبها و خرابی کاریزها باشد والله اعلم سمه احتراقات احتراق عطارد
در مثلثه آتشی دلیل است بر رونق دواوین و نهادن خراج و خواستن از رعایا در طرف
مشرق و رنج متصرفان و عمال و بیماری اطبا و منجمان و نوشتن مثالها در دیوان و بیع
جواهر آبی و مرصعات و اندوه تجار و پیشه کاران و محاسبه وکیلان و اگر قمر آنجا بود
یا ناظر باشد نم و بخار و کدورت هوا پیدا شود و کاروانها برسد و بیع جواهر
جبهی (?) و چیزهای دریابار واقع شود والله اعلم احتراق عطارد در مثلثه خاکی دلیل است
بر فساد نباتات و رنج کاروانیان و تجار و سرما در وقت و بیماری حیوانات سم شکافته
و زحمت ارباب قلم و متصرفان و خشکی هوا خاصه در جانب جنوب و بسیاری بیع ضیاع
و عقار و اگر قمر آنجا بود یا ناظر باشد سرما بود و تفرقه عامه و فساد حیوانات
آبی و رسیدن اخبار محل و بدحالی و بی نفعی و بیم مسافران والله اعلم سمه احتراقات
احتراق عطارد در مثلثه بادی دلیل است بر حرارت در مزاج ارباب قلم و وزرا
و متصرفان و مستوفیان و عمال و تجار و آمد شد کاروانها و بیع برده و دواب
و نوشتن مثالها و ظلم بر اهل دیوان و جستن بادهای خوش خاصه که در برج جوزا بود
و اگر در برج میزان بود دلیل است بر بزمها و نکاحها و بیع جواهر و چیزهای نفیس
و اگر در دلو بود مردم مایل باشند بحکمیات و علوم نجوم و اسطرلاب و اگر قمر آنجا
بود آمد شد رسولان بود و نوشتن مثالها به تزویر احتراق عطارد در مثلثه آبی
دلیل است بر آفت و فساد کشتیها و مسافران دریا و بسیاری آبها و بیع جواهر
آبی و آفت میوه و باران در وقت و اگر قمر آنجا بود یا ناظر باشد سیلها و جب (?)
آبگیرها و انهار زیادت کرد و زراعت و نباتات نیکو بود و مردم را سفر دریا بسیار

بسیار واقع شود و در عمارت باغ و بستان و جوی و کاریزها کوشند و احوال عامه متوسط گذرد
تمام شد احکام اقترانات احکام محاسدات زحل با راس محاسده زحل با راس دلیل است
بر قوه حال مشایخ و خاندانهای قدیم و افزونی عز و جاه و مرتبه این طایفه و تازه شدن [illegible]
دولتهای قدیم و فراخی معیشت و رونق صوامع و دیرها و [illegible] و ناموس و [illegible]
خاصه اهل روستاق و پیران و خوش حالی گوشه نشینان و رفتن مردم بزیارات و مواضع متبرک
و قوت حال احشام و مزارعات و بسیاری زراعت و غلبه دزدان والله اعلم محاسده زحل با ذنب
دلیل است بر ضد آنچه در احکام راس گفته شد و بیماری و مردن دواب بادکش و بند و زحمت
قلعه داران و احشام و بیماریهای امراض مزمنه دراز کش و موت از زهر و حقنه کردن و [illegible]
و ترس کودکان از وهم زدن دیو و پری و هراس در مردم و رسیدن وهم و زحمت و مصیبت [illegible]
والله اعلم محاسده مشتری با راس دلیل است بر بسیاری خیرات و طاعات و صدقات و قوه
حال اهل ارباب و رفتن مردم بزیارات و خانه کعبه و اجابت ادعیه و داد و عدل حکام و سلاطین
و راستی در دار القضا و رونق کار وزرا و سادات و توانگران و مدارس و مساجد و نواحی
و ابنیه خاصه در جانب خراسان و اقلیم دوم و دشت عرب والله اعلم همه احکام محاسدات کواکب
با راس و ذنب محاسده مشتری با ذنب دلیل است بر ضد آنچه در احکام راس گفته شد و تری هوا
و خیانت در مردم و بیماری اکابر و اشراف و نفاق در بزرگان و نقصان توانگران و ناراستی
در اهل محکمه و باطل کردن حقوق شرعی و محروم شدن مستحقان والله اعلم محاسده مریخ با راس
دلیل است بر توبه بدکاران و مفسدان و شریران و خونیان و ظهور پارسایان بی عمل و مردم زراق
و رواج و رونق کار لشکریان و صحبت بیماران و امد شد عسکر در اطراف خاصه در اقلیم سوم والله اعلم
محاسده مریخ با ذنب دلیل است آنچه ضد در راس گفته شد و فساد و عذر میان امرا و لشکریان و فتنه

و قتل بعضی مواضع از این طایفه و بیماریهای مهلک و صرع و افتادن مردم از بلندیها
و قتلهای ناحق و نا ایمنی و سرگردانی لشکریان و کسادی آلت حرب والله اعلم همه احکام
محاسدات کواکب با راس و ذنب محاسده آفتاب با راس دلیل است بر داد و عدل
ملوک و سروران و در خیر و صلاح کوشیدن ایشان و افزونی ممالک و خزاین
و سروران و بیرون آمدن جواهر با قیمت از کانها و میل مردم بصدقات و زیادتی
عز و جاه بزرگان و تن درستی خلایق و اکثر این در اقلیم چهارم ظاهر شود والله اعلم
محاسده آفتاب با ذنب دلیل است بر عکس آنچه در احکام راس گفته شد و بیماری و فوت
سلاطین و حکام و قید و بند داروغگان و معارف از مردم و شغل معیوب و درد
[illegible] نقصان معادن و چشمها و بیماری از صرع و سودا و آفت دل و دماغ و فساد
خرید [illegible] و نقصان صرافان والله اعلم محاسده زهره با راس دلیل است بر عزت و حرمت
و حکومت خاتونان و نشاط و ترقی خادمان و توبه اهل طرب و فاسقان و رونق دین
اسلام و رواج بازار جواهر خاصه مروارید و گرانی اقمشه و البسه و بردها و جشن
بادها و خوش و فراخی معیشت و [illegible] اشجار و اثمار و اجابت ادعیه والله اعلم
همه احکام محاسدات کواکب با راس و ذنب محاسده زهره با ذنب دلیل است بر آنچه
در ضد راس گفته شد و سقوط اجنه و بیماری و موت زنان و دختران و آماس
و جراحت و حصبه و آبله و بیرون آمدن زنان ساحره و ملال اهل طرب و بی رونقی دین
اسلام و نقصان میوه و شکوفه و نباتات والله اعلم محاسده عطارد با راس دلیل است
بر قوه حال اصحاب دیوان و متصرفان و توانگران و علما و فضلا و شعرا و ندما و [illegible]
و ظهور بلغا و فصحا و راست آمدن معالجات اطبا و احکام نجومی و عرض کتب

والات کتابت و نوشتن عهدنامها و مثالها را است و خبرها را است والله اعلم مجاسده
عطارد با ذنب دلیل است بر ضد آنچه در احکام راس گفته شد و ظهور منافقان و دروغ
گویان و گفتن هجوها و صرع و دیوانگی و امراض دماغی و بیماری و ترس در کودکان و نوشتن
خطها دروغ و اراجیف و کسادی بازارها و خیانت عمل و عدول و عفونت هوا
و بیدادنی مخرقه و نقصان و ملال تجار والله اعلم احکام قرانات قمر با کواکب ششگانه
در بروج قران قمر با زحل در حمل دلیل است بر تغیر هوا و بخارها و سرما و باران در وقت
و فساد حیوانات و تفرقه عامه و تردد لشکریان والله اعلم در ثور دلیل است
بر اندوه و تفرقه اکابر و بزرگزادگان و زوال محترم و فساد [illegible]
و دواب و سرما در وقت و اندوه عامه والله اعلم در جوزا دلیل است بر [illegible]
بادهای مضطرب و ملال فضلا و اهل قلم و رنج مسافران و زحمت عامه و سستی بازارها
و تیرگی هوا والله اعلم دلیل است بر سرما و باران در وقت و کراهیت عامه و مخرقه — در سرطان
و زحمت مسافران دریا و بادهای مختلف و آفت حیوانات آبی و نقصان تجار
و کدورت هوا والله اعلم در اسد دلیل است بر [struck-out] عز و بستن کارها
عامه و قبض خاطر بزرگان و بدحالی مسافران و سرگردانی رسولان و جاسوسان
والله اعلم در سنبله دلیل است بر نکبت مسافران و زحمت متصرفان و سرما در زمستان
و فساد اطعمه و نباتات و اراجیف والله اعلم در میزان دلیل است بر جستن بادهای مختلف
و آمد شد رسولان جهت نکاح بزرگان و رنج برده و تغیر هوا نامناسب و وقت [illegible]
باران
والله اعلم در عقرب دلیل است بر فرو ماندن مسافران و درماندن جاسوسان و پیکان و
و سرما در زمستان و گرفتاری بدکاران والله اعلم در قوس دلیل است بر بیماری

درخلائق

درخلائق و بزرگان و آفات حیوانات و ملال و تفرقه سادات و نقصان و ابر و بخار و تاریکی
هوا و زحمت آتش کاران والله اعلم در جدی دلیلست بر بدی حال مسافران و رسولان
و پیکان و آفت کشت و زرع و سرما بافراط در وقت و تفرقه عامه والله اعلم در دلو دلیل است
بر جستن بادهای مضطرب و قبض خاطر بزرگان و تفرقه مشایخ و حکما و سرما و باران در وقت
و صاعقه و هراس در مردم والله اعلم در حوت دلیل است بر ابر و بخار و باران در وقت
با فائده و فساد حال مسافران خاصه در جانب دریا و ملال علما و وزرا و اشراف و زحمت
تجار والله اعلم احکام قران قمر با مشتری در بروج قران قمر با مشتری در حمل دلیل است
بر گرمی هوا و گرمی در تابستان و نیک حالی مسافران و امن و رفاهیت و خرید و فروخت
در ثور — [illegible]ت و آرایش و ساختن زینت والله اعلم دلیل است بر قوت و جمعیت
[illegible]زادگان و الهی راهها و رسیدن کارها و آنها و آزردن برده والله اعلم در جوزا
دلیل است بر رسیدن خبرهای خوش و اجتماع خلایق جهت مهمات و اعتدال هوا و نوشتن
خطها و مثالها و جستن بادهای ناخوش در سرطان دلیل است بر نیکحالی عامه و مخرقه
و فرح بزرگان و بیع جواهر آبی و آمد شد مسافران و نفع و فائده در سفر و تجارت والله اعلم
در اسد دلیل است بر عزت و بزرگی طلبیدن عامه و خرید و فروخت جواهر و روایی بازار
صرافان و ساختن پیرایه و زینت و گرمی هوا والله اعلم در سنبله دلیلست بر قوت حال
و جمعیت بزرگان و ترقی دیوانیان و وزرا و زیاده شدن مرتبه علما و اشراف و درکی
کیفیت زرع و خرید و فروخت حیوانات بهم احکام قران قمر با مشتری در بروج قران قمر با مشتری
در میزان دلیل است بر وزیدن بادهای خوش و سلامتی اشیاء و اتحاد و رسیدن خبرهای
راست و اجتماع علما و اشراف و قوه حال ایشان والله اعلم در عقرب دلیل است بر بسیاری
باران در وقت و توبه بدکاران و عجز و ماندن مسافران و حرکت عساکر در جانب شمال — و تفرقه عا

در قوس دلیلست بر جمعیت حال ایه واشراف و رفتن مردم بدار القضا و تردد حکام و بیع
و شری د و آب و برده و گرمی هوا در وقت و میل مردم بعلوم در جدی دلیل است بر ایمنی
راهها و نیکی حال مسافران و اعتدال هوا و جمعیت عامه و گرد آمدن خلایق بضرورت چون
مصیبت و امثال آن والله اعلم در دلو دلیل است بر جستن بادها و جمعیت مشایخ و گوشه نشینان
و حکما و ساختن طلسمات و خواندن عزایم و علامات سماوی در حوت دلیل است
بر جمعیت یافتن عامه و اجتماع خیر و طلب حاجات وزرا و قضات و رسیدن مسافران
دریا بصحت و غوث تجار والله اعلم احکام قران قمر با مریخ در بروج در حمل دلیل است
بر حرارت هوا در وقت و خصومت و تفرقه میان عامه از لشکریان
و فساد حیوانات والله اعلم در ثور دلیل است بر غلبه عامه و لشکری و دزد ما
و نقصان مسافران از دزدان و راه زنان و ظلم بر رعایا و محترفه والله اعلم در جوزا دلیل
بر اخبار دروغ و فتنه و تفرقه میان عامه و اهل فضل و ارباب قلم و بازرگانی و وزیدن
بادهای خوش والله اعلم در سرطان دلیل است بر غوغا و گفت و گوی عامه و فساد حال بزرگان
و زحمت و مشقت از دریا و نم و باران و کدورت هوا و رعد و برق والله اعلم در اسد
دلیل است بر آمد شدن رسولان و جاسوسان و گرمی هوا و مردن سباع و خوف و اندوه
ملوک و سروران و زحمت صرافان والله اعلم در میزان دلیل است بر خوشحالی زنان و امردان
و بدحالی فقها و مکر و شعبده در عقرب دلیل است بر زحمت و مخاطره مسافران و رنج
زنان و اهل طرب و حبس بادها و ناسازگاری ازواج و بیماری از غلبه خون و اثر والله
اعلم در قوس دلیل است بر خوف و تفرقه مسافران خاصه در طرف دریا و قید و بند
جاسوسان و عفونت آبها و پیدا شدن بخارها و کدورت هوا در جدی دلیل است

برحرارت

برحرارت هوا و خشکی در وقت خود و داغ ذواب و کارها را آتشی بودن و خصومت میان مردم در کار
اکابر و سستی دین والله اعلم در دلو دلیل است بر گرفتاری پیکان و جاسوسان و زحمت
و تفرقه عامه و خوف مردم از لشکریان و خصومت و جدل میان خلایق والله اعلم
در حوت دلیل است بر جستن بادهای گرم و بیماری و موت مشایخ و عفونت هوا
و توقف مسافران در سفر و ساختن طلسمات و فرو بستگی کارها و برافتادن تشبیهها و مردن
حیوانات آبی و مسافران دریا و اندوه عامه و ملال و نقصان اشراف و تجار والله اعلم
احکام قران قمر با شمس در بروج قران قمر با شمس در حمل دلیل است بر تغیر هوا نامناسب
وقت و اندوه ملوک و امرا و تفرقه عامه و غضب امرا و لشکریان بر زیر دست و رعایا
و سعیدان والله اعلم در ثور دلیل است بر نقصان و فساد مزروعات و نباتات
و مردن حیوان سم شکافته و زحمت مسافران و بنا نو نهادن و ملال اهل طرب در جوزا
دلیل است بر جستن بادها و نوشتن مثالها و احکام سلاطین و آفت اشجار و اثمار و گرمی
و گرمی هوا و اندوه اهل قلم و رسیدن اخبار در سرطان دلیل است بر بزرگی جستن عامه
و ابر و کدورت هوا و باران در وقت و رسیدن مسافران دریا و خرید و فروخت جواهر
آبی در اسد دلیل است بر محاسبت و اجتماع ملوک و اکابر و فاش شدن اسرارها و گرمی هوا
تابستان و رسیدن نامهها از جانب حکام و بزرگان و نوشتن فرمانها و نشانها و سرگردانی
عامه والله اعلم در میزان دلیل است بر اندوه ملوک و سلاطین و رسیدن ایلچیان
و بادها و بستن نکاحها و نم و تاریکی هوا و نشاط در عامه والله اعلم در عقرب
دلیل است بر بازرگانی و سرما در وقت خود و دزد و ماندن جاسوسان و پیکان
و تعلل در کار مسافران و فساد آبها و تیرگی هوا در قوس دلیل است

بر اختلاف و گرمی در تابستان و قبض خاطر بزرگان و زحمت علما و قضات و اشراف و کثرت بیع و شری
و دواب در جدی دلیل است بر بیماری از خشکی و حرارت میان عامه و درماندن جاسوسان
و قاصدان و آفت حیوانات و اندوه خلایق در دلو دلیل است بر بیماری و تفرقهٔ ملوک
و اکابر و بادهای سرد و نم و رعد و برق بوقت خود و بدحالی مسافران و خوف و نا
ایمنی راهها در حوت دلیل است بر بسیاری باران در وقت خود و بزرگی جستن عامه
و رسیدن مسافران و اجماع و صحبت میان امرا و وزرا و علما و اشراف و اعیان احکام
قران قمر با زهره در بروج در حمل دلیل است بر خرید و فروخت جواهر و پیرایه و دوینه
و بسیار عقد و زفاف و معاشره و ارزانی گوشت و چربی و ابر و کدورت هوا والله
اعلم در ثور دلیل است بر قوت حال بزرگان و بزرگ زادگان و عزت خاتونان و رواج
مطربان و ندیمان و اجتماع زنان و عروسان و دعوتها و رسیدن مسافران در جوزا دلیل است
بر جستن بادهای خوش و رسیدن خبرهای راست و نوشتن عهدنامهها و میل مردم بشعر
و خط و تماشا و کارهای دقیق باریک و نیکی حال اهل قلم والله اعلم در سرطان
دلیل است بر بسیاری جواهر آبی و منفعت و فایده یافتن از سفر دریا و عشرت
و نشاط در میان خلایق و باران نافع و قوت حال قاصدان والله اعلم در اسد
دلیل است بر بسیاری مناکحات و مواصلات و عیش و طرب در ملوک و سرورا
و زدن سکه در سیم و قوت حال خواتین بزرگ و آتش کاران در سنبله دلیل است
بر نیکحالی مسافران و دبیران و جاسوسان و نکاحها و سرود و طرب در وزرا
و ارباب قلم و رسیدن اخبار و بیع برده و دواب والله اعلم همه احکام قران قمر با زهره
در بروج در میزان دلیل است بر رواج و رونق خواتین و اهل طرب و بسیاری مناکحات

ومواصلات

و مواصلات و دعوتها و ضیافتها و خوشی و اعتدال هوا و صحت حال بیماران و قوت حال دختران
در عقرب دلیل است بر ابر و باران در وقت و فرو ماندن مسافران و قاصدان و قبض خاطر
زنان و بیماری اهل طرب و ناایمنی راهها و فروماندگی عامه در قوس دلیل است
بر عشرت و نشاط میان علما و وزرا و سادات و قضات و میل مردم بخیرات
و اظهار صلاح و بیع برده و روایی درهم و زدن سکه و اجماع مردم در مجلس والله اعلم
در جدی دلیل است بر زحمت و ملال مسافران و آمد شد قافلهها و نیکحالی کشت و زرع
و خشکی و خنکی هوا و بیع برده و شور و انقلاب حال عامه در دلو دلیل است بر باد
و برق و باران در وقت و میل مشایخ بعشرت و قوت حال خاندانهای قدیم
و بر آمدن نکاحها و بسیاری لهو و طرب و کثرت اخبار در حوت دلیل است بر سرمای
مفرط و آمدن سیل در وقت و جمعیت زنان و خادمان و عیش و طرب بزرگان و فایده
و نفع مسافران خاصه سفر دریا والله اعلم احکام قران قمر با عطارد در بروج در
حمل دلیل است بر بیع و شری اسلحه و دواب و تغیر هوا و بخارها و رسیدن اخبار
متلون و نوشتن عهدنامهها و رونق پیشهکاران در ثور دلیل است بر سرما در وقت
و بیع و شری اطعمه و حیوانات و ضیاع و عقار و بسیاری عمارت و کشت و زرع و رسیدن
رسولان و قاصدان در جوزا دلیل است بر رواج و رونق کار دبیران و منجمان
و نوشتن خطها و رسیدن نامهها و جستن بادها و خرید و فروخت برده و دواب
و رواج بازار کتاب در سرطان دلیل است بر فرستادن رسولان و قاصدان و آمدن
کشتیها و بیع جواهر آبی و بارندگی در وقت و نازکی هوا و رواج کار عامه و محترفه
در اسد دلیل است بر سفر و حرکت ملوک و سروران و رسیدن اخبار سلاطین و بیع

جواهر آبی کانی و زیادتی شغل و عمل آتش کاران و نوشتن مثله شیطانی در سنبله دلیل است
برآمد شد رسولان و انقلاب حال اهل علم و رونق دار القضا و دیوان و خرید و فروخت
غله و اجناس و بسیاری بعلم و کتابت در میزان دلیل است بر جستن بادهای مضطرب
و بیع برده سفید پوست و رونق بازار شعرا و ندما و دوستی میان پیران و دختران
و رواج بازار اقمشه و عقاقیر در عقرب دلیل است بر ابر و کدورت هوا و کثرت
و تفرقه اراجیف و نقصان مسافران و درماندن جاسوسان و قاصدان و خرید
و فروخت اقمشه و اسلحه در قوس دلیل است بر بیع برده و حیوانات سم شکافته
و رونق محترفه و رسیدن مسافران و مناظره دیوانی و شرعی و نوشتن فتوی
در جدی دلیل است بر عدو ماندن مسافران و پیکان و اختلاف هوا و بیع برده
و ستور و سرما در وقت و بحث و مناظره میان خاندانهای قدیم و الله اعلم در دلو
دلیل است بر جستن بادهای مختلف و خوف در رعایا و کثرت اخبار و بحث در
علوم و ساختن طلسمات و نوشتن حرزها و الله اعلم در حوت دلیل است بر
رسیدن مسافران و تیرگی هوا و باران در وقت و دعویها و گفت و گوی میان
مردم و فروشتن کارها و انقلاب حال بزرگان احکام قران قمر با راس و ذنب
قمر بعقده راس دلیل است بر قوه و صلاح حال عامه و مایل شدن بزهد و پرهیز
و خیرات و صدقات و ترتیب و شفقت یافتن زیردستان و رعایا از حکام و ا روعکان
و اکابر و اشراف و خبرها راست و ایمنی راهها و صلاح حال مسافران و اجابت
ادعیه قمر بعقده ذنب دلیل است بر ضد آنچه در احکام راس گفته شد و بیماری و ملال
خاصه در زنان و طفلان و اراجیف و نقصان و ملال عامه و فساد میوهها و عفونت

آنها

آنها و تفرقه مسافران و درد چشم و ترس کودکان و افتادن از بلندیها قمر با کبد
دلیل است بر ملال و تفرقه و قبض خاطر خلایق و نه کوداگی پیکان و رسولان و ناایمنی
راهها و اخبار دروغ و خوف و وهم در مردم ها بی بنیاد و بی اعتبار باشد و مرض در
اطفال خاصه درد دندان و الله اعلم احکام تثلیث و تسدیس قمر با کواکب تثلیث
و تسدیس قمر با زحل دلیل است بر موافقت ازواج و خرمی زنان و مردان از عمارت
و زراعت و محبت و موافقت میان پدران و فرزندان و تغیر هوا و سرما در زمستان
و نیک حالی اهل احشام و اهل صحرا و قوت خاندانهای قدیم و دهاقین و سعادت
حال صیادان تثلیث و تسدیس قمر با مشتری دلیل است بر خیرات و طاعات و صدقات
میان خلایق و نیک حالی مسافران و عدالت و امانت و راستی در مردم و ایمنی و فراخی
مطعومات و برآمدن حاجات از وزرا و قضات با سانی و مردم در تردد و پیش
اکابر و علما و قوت حال مسافران و تجار و سلامتی طفلان تثلیث و تسدیس قمر با
مریخ دلیل است بر گرمی و حرارت هوا و حرکت لشکریان و فتح در مردم اوباش
و سواری و صید و شکار امرا و لشکریان و مناکحت و مواصلت و بکار داشتن
انواع اسلحه و خلاصی محبوسان و جرأت رسولان و پیکان و جاسوسان و دوستی
اهل سلاح با رعایا تمه احکام تثلیث و تسدیس قمر با کواکب تثلیث و تسدیس قمر با آفتاب دلیل است
بر داد و عدل در ملوک و حکام و ترحم فرمودن درباره رعایا و عامه و عنایت بزرگان
با زیردستان و گرمی هوا و موافقت میان پدران و فرزندان و سلاطین و داروغگان
و زنان و شوهران و آمد شد رسولان میان سلاطین و نیک حالی رعیت و الله اعلم
تثلیث و تسدیس قمر با زهره دلیل است بر بهتری بازارها خاصه بازار

الحشة والبسه وبیع کنیزک ترک وبسیاری فرح وخرمی وعقد ونکاح ومهمانیها وبرآمدن حاجات
از خوانین وقوت حال مطربان وخادمان ومسافران وعامه واعتدال هوا وارزانی نرخها
وسلامتی شکوفه ومیوه وقوت حال قاصدان تثلیث وتسدیس قمر با عطارد دلیل است بر رواج ورونق
بازارها وبیع برده ودواب وحریر وفروختن کاغذ وکتاب ونوشتن خطها ومثالها
وفرستادن رسولان ورسیدن نامها وخبرهای راست وراست شدن علم معاملات
اطبا والحکای نجومی وفرح عمال ومنصرفان وخوش حالی بازرگانان احکام تقابله تربیع
قمر با کواکب سته تربیع ومقابله قمر با زحل دلیل است بر خصومت وعداوت وتفرقه عامه
ورنج وشدت در مسافران وناامنی راهها وفتنه سکان وجاسوسان ومخالفت
پدران وفرزندان وگفت وگوی زنان وشوهران وبیماری بهار مختلف وترس در طفلان
وتفاوت نرخها والله اعلم تربیع ومقابله قمر با مشتری دلیل است بر کراهیت وملال اهله وقضاة
وبزرگان وغضب وزرا وحکام بر زیردستان ورعایا ودعوی شرعی وخصومتها
ومجادله ومعارضه واندوه توانگران واشراف وسفرهای ضروری بغیر اختیار ونقصان
در بازرگانیها تربیع ومقابله قمر با مریخ دلیل است بر زحمت وملال وخوف در رعایا وظلم
وجور امرا ولشکریان بر عامه وزیردستان وقصد کردن مردمان یکدیگر را وعیب کردن
وبیماری خاصه در کودکان از غلبه خون وجراحت وشکافتن وشق کردن وناایمنی
راهها والله اعلم تمه احکام تربیع ومقابله قمر با کواکب تربیع ومقابله قمر با شمس دلیل است بر غضب ملوک
وقهر وسیاست بر رعایا وفاش شدن اسرار خلائق وتغیر هوا وشکستن سرما وگفت
وگوی مهمات سلطانی وتغیر امزجه ومخاطب شدن پیکان وجاسوسان ونقصان
وملال وزحمت آنها تربیع ومقابله قمر با عطارد دلیل است بر تیزی بازار عطریات وملال

و زحمت

و زحمت زنان ومطربان وناسازگاری زنان وفاش شدن خیانت واسرار زنان وخادمان و زحمت
کودکان وخشکی وباران در زمستان واعتدال هوای تابستان تربیع ومقابله قمر با عطارد
دلیل است بر کسادی بازارها وقبض خاطر محترفه واراجیف وتهمت ودروغ میان مردم وخیانت
رسولان ومجادله ومناظره میان عامه ومحاسبه رسولان ووکیلان ومنصرفان واندوه
فضلا وعلما تمام شد تربیعات ومقابلات قمر با کواکب احکام خسوف قمر در بروج اثنی عشر
در حمل چون ماه در برج حمل گرفته شود دلیل است بر ظلم وجور بر رعایا از جانب حکام
ولشکریان وترس وبیم در خلائق ومعزولی وزرا وارباب مناصب وتنزل حال بزرگان
وخوار گشتن اشراف ومعارف وبیماری گوسفندان وملال مستوران وآفت حکام
در جانب مشرق ووبا وسموم الیم در ثور چون ماه در برج ثور منخسف شود دلیل است بر نقصان
آبها وآفت ساحات ومرگ شتر وکم شدن عصیر واشراب وتنگی ودرویشی خلایق و زحمت
دهقانان وآفت زراعت وبیماری دختران وزنان و زحمت مطربان وبیم زلزله ودشواری
وضع حمل در جوزا چون ماه در برج جوزا بگیرد دلیل است بر عفونت وتیرگی هوا وجستن بادهای
سخت وظلم وجور وبارانهای زیان کار وظهور علامات سماوی ومردن مرغان وقران
زنان آبستن وبیماری در اهل قلم و زحمت اطفال واراجیف تمه احکام خسوف [illegible]
در برج سرطان چون ماه در برج سرطان منخسف شود دلیل است بر ابر وکدورت
هوا وکمی باران ودشواری و زحمت در سفر ومسافران وتنگی وخوف در مردم وآفت
کشتیها ومردن حیوانات آبی و زحمت ملاحان وبی منفعتی صیادان وعفونت آبها
در اسد چون ماه در برج اسد بگیرد دلیل است بر بیماری ونکبت ملوک وداروغگان و
واشراف واعیان وخطاب سلاطین با بزرگان ورعایا اما زود صلاح پذیر شود

وآفت صرافان وصرابان وآهنگران ومردن سباع وفتنه وآشوب در جانب مشرق
در سنبله چون ماه در برج سنبله منخسف شود دلالت کند بر بیماری وموت میان عامه و
بسیاری فسق وفجور وملال وسرگردانی اهل قلم وخطا در معالجات اطبا وزحمت حکام
واهل نجوم وآفت کشت وزرع وارتفاع همه خسوف قمر در بروج دو هیأة چون ماه در برج میزان
گرفته شود دلیل است بر بیماری وهلاک بزرگان وقضات وخیانت مردم خاصه در کیل
ووزن وگریختن زنان از مردان وطلاق وفراق میان ازواج وگریختن بزرگان
ومرگ مرزبانان وظلم وجور سلطان بر رعایا وعفونت هوا وبدحالی مطربان وفتنه
در اقلیم پنجم در عقرب چون ماه در برج عقرب منخسف شود دلیل است بر تنگی سال وقحط
وتنگی در بعضی مواضع خاصه در بادیه عرب وعلت در رحم زنان وآفت حیوانات
آبی وبی نفعی سفر دریا وزحمت وملال مسافران وسکان وتفرقه عامه وبیماری وموت
در زنان ودر قهران وسرگردانی وضعف امرا ولشکریان وعفونت آبها در قوس
چون ماه در برج قوس منخسف شود دلالت کند بر مرگ چهارپایان وخوف
ونقصان مردم از لشکریان وجرات دزدان وراه زنان وفساد حال بزرگان
وبازرگانان وقحط ووبا در بعضی مواضع ومکر وحیله ودروغ میان خلایق وبی
رونقی روی وآهن وارزیز وزحمت وزرا وقضات واشراف تمه خسوف قمر
در بروج در جدی چون ماه در برج جدی منخسف شود دلیل است بر خرابی
عمارت وویرانی زمینها وخشک شدن گیاه ونباتات وکمی کشت وزرع ومرگ گوسفندان
خاصه شاخ دار وکمی ~~کشت وزرع~~ وبسیاری دزدان وراه زنان وغربت گزیدن
مردم وبی نفعی در صید وصیادان وملال خاندانهای قدیم وزحمت عامه وآفت

ادستا

روستای واحشام در دلو چون ماه در برج دلو منخسف شود دلیل است بر بیماری ومرگ میان مردم
وعفونت ورطوبت هوا وفتنه در جانب خراسان ونواحی مشرق وزحمت دهاقین وصحرا
نشینان وجستن بادهای مختلف وزحمت اهل قلاع وجبال واندوه عامه وفرو بستگی کارها
وبیماریهای دراز کشش در حوت دلیل است بر ضعف حال ملاحان وبی باکی مردم وآشکارا
شدن فسق وفجور وحرام را حلال پنداشتن ونکاح محارم کردن وتند وتیز وویران شدن جویها
وعفونت آبها ودرویشی وبیماری عامه وتفرقه وبلای وزرا وقضاة واشراف ونقصان
توانگران احکام شمس که در بروج دوازده گانه منکسف شود چون آفتاب در برج حمل
منکسف شود دلیل است بر مردن گوسفندان وخوار شدن زر وسیم وآفت سلاطین
وحکام وفتنه وتشویش وتغیر وتبدیل در جانب مشرق وعمارت در اطراف ونقصان
وبلغم اسوال وسرگردانی لشکریان وبیماری از غلبه خون وصفرا در ثور چون آفتاب در برج
ثور منکسف شود دلیل است بر آفت چهارپایان خاصه گاو وشتر وسوخته شدن حبوبات
وآفت نباتات ونباتی وفساد میوه ودرخت وخرابی ابنیه وغم واندوه واندیشه در
خلایق وقبض وکدورت اهل طرب وبیماری زنان وفتنه در بعضی در بعضی مواضع
ونکبت حکام وسروران در جوزا چون آفتاب در برج جوزا منکسف شود دلیل است
بر عفونت وتیرگی هوا وجستن بادهای مضطرب وبیماری ومرگ میان خلایق خاصه
در اطفال ونقصان وزحمت تجار وتفرقه قلم ونقاشان ووراقین ونقصان
عامه ومحترقه والله اعلم در سرطان چون آفتاب در برج سرطان منکسف شود دلیل است بر مردن
حیوانات آبی وجستن بادهای ~~جنوبی~~ وبسیاری آبها ونقصان خربزه وبادرنگ
وآنچه بدان ماند وتفرقه وزحمت عامه وبدی حال مسافران دریا وزحمت وفتنه

وفتنه در اکثر مواضع و حکام و عفونت در آب در اسد چون آفتاب در برج اسد منکسف
شود دلیل است بر تندی و بدخویی و غضب سلاطین بر رعایا و آفت حکام و مرگ در سباع
خاصه شیر و بلاقته در جانب روم و اقلیم چهارم و جنگ در خراسان و حصار و شادمان
و ظلم و جور در عالم و آفت آتش کاران و نقصان معدنیات در سنبله چون آفتاب در سنبله
گرفته شود دلیل است بر مرگ و بیماری اهل قلم و دختران بکر و آفت کشت و زرع و کمی
جو و گندم و برنج و جراحتها و بر بدن اعضا و تنگ دستی و درویشی عامه و ملال
و نکبت وزرا و دیوانیان و اراجیف و آشوب و فتنه در بعضی مواضع تمام احکام کسوف
شمس در بروج در میزان چون آفتاب در برج میزان منکسف شود دلیل است بر
بسیاری بیماری و وبا در بعضی بلاد و عدو پادشاهان از رعایا و تفرقه و ملال خواتین
مسلطه و آفت مرغان و بیماری رهروان و عفونت هوا و آفت حکام و سروران
و جستن بادهای مضطرب در عقرب چون آفتاب در برج عقرب بگیرد دلیل است
بر آفت حیوانات آبی و غرق شدن کشتیها و تنگی در جزیره عرب و فراخی
در مواضع خاصه در حبشه و پدید آمدن ملخ و سرگردانی و لشکریان و
تنزل حال ملوک خاصه در جانب شمال والله اعلم در قوس چون آفتاب در برج
قوس منکسف شود دلیل است بر روایی بازار دستوران و بیماری در
مردم خاصه در وزرا و قضات و اشراف و شکستن قیمت زر و جواهر
و جرأت دزدان و فتنه و تشویش خاصه در ارمینیه و اصفهان و نقصان
آتشکاران احکام کسوف آفتاب در بروج در جدی چون آفتاب در برج
جدی بگیرد دلیل است بر مرگ گوسفندان و بزان کوهی و آفت گیاه

امرا

وسبزه

وسبزه و سوخته شدن زرع و کشت و فتنه و تشویش در جانب هندوستان و بعضی
از فارس و آفت ملوک و حکام و خرابی ابنیه و دست تنگی میان خلایق و خوف و تفرقه
صحرانشینان و زحمت قلعه داران در دلو چون آفتاب در برج دلو گرفته شود دلیل است
بر مرگ میان مردم و مرغان و بسیاری بیماری از غلبه خون و مهره و طاعون
و عفونت و تیرگی هوا و فریب دیگر در مردم و جستن بادهای سخت و باران و رعد
و برق و صاعقه و تنزل حال مردم قدیم و زلزله و برف و علامات سماوی
واقع بحران و فتنه در اقلیم اول والله اعلم در حوت چون آفتاب در برج حوت
بگیرد دلیل است بر غرق شدن کشتیها و ملال و زحمت مسافران دریا
و بار انبار زیان کار و مرگ میان زاهدان و عابدان و خواری و مذلت توانگران
و خوف و تفرقه وزرا و قضات و تجار عظام و ارباب مناصب و آفت
حیوانات آبی و تیره و تشویش و آفت حکام در جانب شمال تمام شد احکام کسوف
آفتاب والله اعلم احکام تحویل زحل در بروج در حمل دلیل است بر آنکه سلطانی
متوجه شود بعزم محاربه و مقاتله و خون ریختن بسیار واقع شود خاصه در جانب
مشرق و دشمنی میان ملوک و بزرگان بود و باران بسیار بود در ثور دلالت
کند بر فتنه و حرب میان سلاطین و حکام و ترس و بیم در خلایق و آفت یکی از
ملوک و نقصان گاو و گوسفند و حیوانات سم شکافته و مردن اسبان و زحمت
خوابیدن و بیماری از خشکی و آفت نباتات در جوزا چون زحل در برج جوزا نقل کند
دلیل است بر جستن بادهای خشک و سرد و دوغ اطعمه و میوه و آفت اشجار و طیور
و کمی باران و فتنه و خون ریختن در بعضی مواضع و کدورت خاطر اهل قلم و بیماری ترس دی

درکودکان در سرطان چون زحل در برج سرطان تحویل کند دلیل است بر کمی باران
ونقصان آبها وآفت صحرا نشینان وفتنه در زمین بلخ وسمرقند وفرغانه
وکاشغر وامد شد عساکر وزحمت پیران وملال خاندانهای قدیم
در اسد دلیل است بر فراخی اطعمه ونقصان زر وسیم وخشکی هوا وفتنه
واشوب در جانب شرق وآفت سباع وزحمت آتشکاران ونقصان
معدنیات وتفرقه سلاطین وسروران در سنبله چون زحل ببرج سنبله
نقل کند دلیل است بر گرمی تابستان وسردی زمستان ووبا وطاعون
در بادیه عرب وفتنه ومحاربه در جانب فارس وخراسان ومرگ گاوان
وگوسفندان وقبض وملال اهل قلم در میزان دلیل است بر انکه یکی از ملوک بمیرد
یا کشته شود وتوانگران ملال یابند وملال وتفرقه خواص بود وفتنهاء
بسیار روی نماید در عقرب دلیل است بر انکه چشمها آب کم شود
وسرما بافراط بود در فصل زمستان وخشکی در سه فصل دیگر
وبیماری وتفرقه در جانب خراسان روی نماید وسرگردانی امرا
ولشکریان بود در قوس چون زحل به برج قوس نقل کند
دلیل است بر انکه سلطان از جهت دفع دشمن از رعیت لشکر یاری
طلبد ودر جانب مشرق وفتنه وشورش پیدا شود وجنگ در حصار
روی نماید ودرمیان بزرگان بیم وفزع بود در جدی دلیل است
بر انکه زمستان آن سال بسختی گذرد ودر ولایت سند تفرقه وجنگ
هند روی نماید اما برودتی نگذرد وباران بسیار آید وبیم دیوانگی

وضع

وضع باشد وقوت خاندانهای قدیم بود در دلو دلیل است که در میان عامه بیماری
دراز کشش پیدا شود وزنان بسیار میرند وچهارپایان را آفت رسد وباد ورعد
وصاعقه آید وقوت حال صحرا نشینان کم شود ورواج بازار مشوران در
حوت دلیل است بر فرو رفتن ملک وفتنه واشوب میان عامه ونقصان
آبها وبیماری ومرگ بزرگان وخواص ونا ایمنی وتفرقه در طبرستان
وگرگان تمام شد احکام زحل در بروج احکام مشتری در بروج دوازده گانه
در حمل دلیل است بر بلا وفتنه در زمین خراسان وحرارت در هوا وباران
مناسب در وقت وبسیاری گوسفندان وترقی حال امرا ولشکریان وعدالت
حکام وسروران در ثور دلیل است بر فراخی اطعمه وماکولات ورواج
بازار مشوران وبسیاری کشت وزرع وارزانی غله وقوت حال زنان
وتوبه مطربان واهل فساد در جوزا دلیل است بر تن درستی وفراخ دستی
عامه ومنفعت وداد وستد میان خلایق وقوت حال اهل قلم وتجار
واعتدال هوا وضعف حال قضاة ووزرا وسادات در سرطان دلیل است
بر نیکویی حال وزرا وقضاه واعیان صحت وایمنی وجمعیت خلایق وفراخی
نعمت ونیکی حال مسافران دریا وسلامتی کشتیها وبسیاری جواهر
در اسد دلیل است بر قوت حال ملوک وسروران وحرارت هوا در
تابستان ونا ایمنی وجور وظلم در حکام بر رعایا ونیکی حال صرافان
وضرابان وبسیاری زر وسیم وزینت وارایش در سنبله دلیل است
بر اعتدال هوا ونیکی حال عامه واهل قلم ورواج بازارها وتن درستی خلایق

ومیل مردم به کسب علوم و بسیاری کشت و زرع و قوت حال اطبا و منجمان
در میزان دلیل است بر اعتدال هوا و نا ایمنی راهها و جستن بادها و جور
و ستم از ملوک و عزت اطعمه و قوت حال خواتین و تن درستی خلایق و رونق
بازار البسه در عقرب قول مشتریان به برج عقرب محل کند دلیل است
بر جنگ و عداوت که میان مردم بزرگ پیدا شود و بیدادی از ملوک
و سروران بر هر قومی و جور بر رعایا و بدست آمدن مال لشکریان را
و سلامتی کشتیها و قوة اعراب در قوس دلیل است بر دوستی سروران
و حرارت هوا و خوشدلی عامه و رغبت مردم بصلاح و خیر و کارها
خیر و قوت حال وزرا و اشراف و تجار عظام و فتنه میان لشکریان
و اهل سلاح و رواج زر و سیم در جدی دلیل است بر نیک حالی رعایا
و سلامتی زنان حامله و قوت حال مسافران مزارعان و نیکی کشت
و زرع و ضعف حال وزرا و سادات و توانگران و قوت حال پیران
و گوشه نشینان در دلو دلیل است بر نیک حالی سروران و فراخی
اطعمه و ارزانی نرخها و گشاده شدن کارها و موافقت و سازگاری
ازواج و نیکی حال مزارعان و قوت خاندانهای قدیم در حوت دلیل است
بر خشکی هوا و باران با نفع و قوت حال وزرا و قضاة و اشراف
و تن درستی عامه و نقصان از ملخ و خرابی در زمین طبرستان
و سلامتی مسافران و منفعت در سفر دریا که چون مریخ در برج
در حمل دلیل است بر ارزانی اطعمه و قوت حال امرا و لشکریان و نیکی

حال کوران [illegible]

و در ثور دلیل است بر حالها و ناسازگاری ازواج و بیداد و جور ملوک بر رعایا و فساد حال زنان حامله و تنزل
احوال امرا و لشکریان و در جوزا دلیل است بر بدی هوا و [illegible] و نفرت میانه عامه و ناراستی [illegible]
بر یکدیگر و گرمی [illegible] و ملال کتاب و پریشانی سپاهیان و در سرطان دلیل است بر معزولی امرا و ضعف
لشکریان و فتنه و آشوب و اراجیف و میل حکام به بیداد و ملوک بر جور و ستم و خواستن از رعایا
و هر یکی در [illegible] و در اسد دلیل است حکام را از خوف اهل قلم از امرا و لشکریان و بدی هوا و خشکی
و امراض سودائی و فساد کار و [illegible] و نا ایمنی راهها و اخبار مختلف و آفت مزروعات و در سنبله
دلیل است بر مرض امرا و لشکریان و نیکی حال عامه و بودن بار [illegible] و ارزانی نرخها و جستن بادهای گرم
و ملال و مرض در زنان و اهل طرب و در عقرب دلیل است بر جنگ و عداوة میان خلایق و قوت
حال لشکریان و جور و ستم بر رعایا و فسق و فجور زنان و بیماریها و در قوس دلیل است بر [illegible] وزرا
و تجار عظام از امرا و ظلم و خواستن از رعایا و حرارت هوا و مرض از غلبه خون و جنون و ضعف
حال سادات و قضاة و ائمه و اشراف و در جدی دلیل است بر ترقی حال امرا و لشکریان
و عزت گوشت و آلت حرب و فساد کشت و زراعة و آفت گوسفندان کوهی و در دلو دلیل است
بر تغییر هوا و [illegible] و بار [illegible] و رونق با منفعت و هم مرض در مزاج و صحرانشینان و بدحالی [illegible]
و در حوت دلیل است بر اعتدال هوا و فساد حال بازرگانان و گرسنگی و فجور زنان [illegible] و مرض
در معارف و اشراف و خیانت عدول احکام تحویل آفتاب به بروج حمل دلیل است
بر قوة سلاطین و حکام و اعتدال هوا و بازار نافع و ابر و رعد و برق و علامات و سیاه‌ها
و داد و عدل در ملوک بیشتر و در ثور دلیل است بر آمدن باران و باد و تغییر هوا و گشادی بازار
و عزت اغذیه و اطعمه و بسیاری رطوبات و [illegible] و در جوزا دلیل است بر قوة آنها
و گرمی هوا و بیماری در عامه از غلبه خون و قوت حال ملوک و حکام و رواج بازار [illegible] در سرطان
دلیل است بر گرما و سلامتی کشتیها و ارزانی نرخها و نیک حالی مسافران و منفعت صید و دریا [illegible]

اسد دلیل است بر قوت حال ملوک و عدل و داد و رحمت و نا روایی بازارها و ارزانی نرخها و غلبه خون در مزاج
سنبله دلیل است بر قوت علما و بازرگانان و علوم ریاضی و غم و اندوه و دل مشغولی عامه
میزان دلیل است بر تنزل ملوک و سروران و حبس بادها و روایی بازارها و بسیاری اطعمه و اضافات … در احکام
عقرب دلیل است بر … خشکی هوا و باران و … اضافات عامه و قوت … و بسیاری … و زرع
قوس دلیل است بر خشکی هوا و قوت حال امرا و لشکریان و میل حکام بجهت علما و … عامه و … بازارها و …
جدی دلیل است بر … حال ملوک و برف و باران و سرما و افراط و عدل ملوک و ترتیب … و …
دلو دلیل است بر قوت سرما و برف و باران و … و … شدن حیوانات و تغیر هوا و میل نرخها بگرانی
حوت دلیل است بر تغیر هوا و بادها و ابرهای تیره و رعد و برق و کثرت باران و رغبت … احکام
احکام تحویل زهره به بروج حمل دلیل است بر اندوه زنان و اهل طرب و تغیر هوا و نشاط امرا و … باران و …
ثور دلیل است بر قوت حال خواتین و اهل طرب و نیکی مزروعات و حسن … و روایی بازارها و … و …
جوزا دلیل است بر بادهای معتدل و خرمی اهل قلم و تغیر هوا و رطوبت و نشاط خلق … معاملات و …
سرطان دلیل است بر نیکی حال مسافران دریا و ابرهای تیره و خنکی هوا و آمدن … و زیادتی … و …
اسد دلیل است بر نشاط سلاطین و اعتدال هوا و رغبت مردم بعشرت و لهو و قوت حال زنان از احکام و …
سنبله دلیل است بر نیکی زراعات و خوشی هوا و در آخر او سرما و … و نشاط اهل قلم
میزان دلیل است بر اعتدال هوا و قوت حال خواتین و نیکی حال عامه و … زنان
عقرب دلیل است بر سرما و باران بسیار … و … خواص و بیماری و خوف از …
قوس دلیل است بر تیرگی هوا و ابرهای سیاه و برق و آتش … مردم و … و …
جدی دلیل است بر نشاط دبیران و … و ارزانی ماکولات و خنکی هوا و بیماری گوناگون
دلو دلیل است بر ابر و باران … و بادهای … مردم و … اطعمه و قوت حال مسافران …
حوت دلیل است بر … و علما و … مسافران دریا و … آنها

احکام

احکام تحویل عطارد به بروج حمل دلیل است بر بادهای گرم و اخبار و … امرا و …
ثور دلیل است بر اعتدال هوا و … از رعایا و … مردم … اهل طرب
جوزا دلیل است بر قوت عمال و اطبا و منجمان و رواج محترفه و اهل بازار و اخبار … باران …
سرطان دلیل است بر صعوبت … و باران و رعد و برق و … خاصه …
اسد دلیل است بر گرما و بادهای گرم و قوت وزرا و … احکام
سنبله دلیل است بر قوت دبیران و … حکما و شعرا و … اعتدال هوا و … و کتابت
میزان دلیل است بر … اهل قلم … حال صناع و بسیاری اطعمه و داد و عدل حکام و آمدن بادهای معتدل
عقرب دلیل است بر بادهای … و خشکی هوا و … بیماری و … حال …
قوس دلیل است بر بیماریهای مختلف و … و حرارت هوا و مشغولی مردم …
جدی دلیل است بر خشکی هوا و سرما و … و آهستگی بادها و عزت …
دلو دلیل است بر رطوبت هوا و بادها و … باران و برف و انقلاب احوال عامه و …
حوت دلیل است بر تنزل حال دبیران و … و کتاب و … و حفظ اطبا …
حمل … به بروج حمل دلیل است بر گرمی هوا و آمدن اخبار … عامه و … و حرارت …
ثور دلیل است بر نیکی نبات و … حال رسولان و … و میل مردم بعشرت
جوزا دلیل است بر بادهای مختلف و اخبار و میل مردم بلهو و … بازار …
سرطان دلیل است بر باران در وقت و قوت حال عامه و … زنان در دریا
اسد دلیل است بر رحمت حکام بر رعایا و حرارت … و …
سنبله دلیل است بر نیکی نبات و میل مردم … و … اهل قلم …
میزان دلیل است بر … هوا و … اهل طرب و رونق خاتونان
عقرب دلیل است بر بسیاری باران و گرفتاری … و … مسافران
قوس دلیل است بر اعتدال هوا و … مردم … و …

بجدی دلیلست بر آفت نباتات و بخارها و سیلان و [illegible] و هلکی حالی صحرانشینان
بدلو دلیلست بر حبس بادها و کدورت خاطر عامه و بیرون آمدن قلعه داران [illegible]
بحوت دلیلست بر جنگ و [illegible] و میل اسراف نفس و [illegible] مسافران دریا و [illegible]
احکام [illegible] احکام [illegible] قرار بر حرکت [illegible] شده اند چرا که احکام [illegible] اتصال اوست با کوکب
دیگر اما [illegible] کواکب [illegible] امرا [illegible] و دلم از او [illegible] حالی [illegible] عام احکام [illegible]
بروج دوازده گانه احکام عکس از حمل دلیلست بر قوت حالی امرا و لشکریان و مایل بودن [illegible]
و طاعات و بسیاری گوسفندان بثور دلیلست بر [illegible] زنان و طرب اهل طرب و هلکی مرز و [illegible] لشکر
گاو و شتر و میل مردم بزراعت و عمارت و صلاح بجوزا دلیلست بر اعتدال هوا و خیر و صدقات و میل مردم
بحج و زیارت و قوت حالی اشراف و صلحا و رونق [illegible] بسرطان دلیلست بر آبها و هلکی حال عامه و جمعیه
مسافران دریا و قوت روندگان باسد دلیلست بر صلاح سلاطین و حکام و [illegible]
سروران [illegible] زوال آتش کاران بسنبله دلیلست بر زهد و پرهیز اهل علم و [illegible]
کوشیدن و هلکی نباتات و زراعات و صلاح حال دختران بکر و راستی در معاملات بمیزان بر جمعیت
زنان و طرب اهل طرب و قوت اسلام و میل اهل بازار براستی بعقرب بر [illegible] و صلاح
حال لشکریان و رونق [illegible] بقوس دلیلست بر منفعت تجار و عزل یکی از ارباب مناصب [illegible]
و قوت چهارپایان و رواج بازار [illegible] بجدی بر زهد و تقوی صالح و [illegible] و امانه
صحرانشینان و قوت قلعه داران و مردم کوه پایه بدلو بر هلکی هوا و صلاح مردم و توبه و جمعیت روسا
بحوت دلیلست بر [illegible] سادات و قضاة و [illegible] تجار و باران [illegible] احکام عکس فی نسب
حمل دلیلست بر ضد آنکه [illegible] سوختن مواضع و مرض [illegible] بثور دلیلست
بر [illegible] زنان و آفت کشت و زرع و [illegible] در چهارپایان و [illegible] کارها و [illegible] اهل طرب جوزا
بر برف و جراد و دزدان و نویسندگان خطوط [illegible] و مرض در مردمان بسرطان
بر نقص آبها و کمی باران و مردن حیوانات آبی و آفت مسافران دریا و [illegible]
جاسوسان باسد دلیلست بر ظلم و بیداد گردن ملوک و قحط و مرض در [illegible]
و آفت در راهها از سباع و [illegible] بسنبله بر جنایات [illegible] و ارباب [illegible] و قحط [illegible] و آفت

کشت و زرع و امراض سوداوی در عامه و [illegible] اطبا بمیزان بر [illegible] خاطرها و بر رونق زمان
و بدی هوا و [illegible] اطعمه فروشان و ضعف [illegible] بر بسیاری دزدان و مکاران [illegible]
[illegible] و بلاد طالع عقرب بقوس بر [illegible] قضاة و تجار [illegible]
بجدی بر [illegible] احشام و صحرانشینان [illegible] آفت زرع و کشت و مردن [illegible]
بدلو بر وبا و طاعون و آفت [illegible] در هند بحوت دلیلست بر نقصان آبها و مردن
حیوانات آبی [illegible] نقصان معارف احکام رجعت و استقامت کواکب [illegible] زحل دلیلست بر قوة حال [illegible]
و جمعیه [illegible] و اهل صلاح رجعت زحل دلیلست بر ضعف احوال [illegible] طعام و کسادی [illegible]
و تنزل قلعه داران [illegible] در اجزا [illegible] دلیلست بر قوة حال سادات و قضاة [illegible]
و اشراف و نفع تجار و [illegible] رجعت مشتری دلیلست [illegible]
و نفع تجار و [illegible] مردم در کار [illegible] بازار [illegible] مریخ دلیلست [illegible]
حال امرا و لشکر [illegible] رجعت مریخ دلیلست بر ضعف حال امرا [illegible]
اقلیم [illegible] زهره دلیلست بر [illegible] اهل طرب و قوة اسلام و [illegible]
و فراخ معیشه رجعت زهره دلیلست بر کسادی بازار [illegible] و مرض دختران و آفت [illegible]
خاطرها [illegible] عطارد دلیلست بر قوة حال [illegible] و کتاب [illegible] معاملات اطبا و احکام
[illegible] اعتدال هوا و [illegible] رجعت عطارد دلیلست بر خطا در معاملات [illegible] و کسادی بازار و ضعف
حال [illegible] احکام [illegible] ستارگان زحل دلیلست [illegible] در اکثر مردم [illegible]
[illegible] مشتری دلیلست [illegible] احوال [illegible] قضاة و سادات و نقصان [illegible]
مریخ دلیلست [illegible] امرا و [illegible] و [illegible] و فساد [illegible]
دلیلست بر [illegible] ملوک و [illegible] انسان و [illegible] زهره دلیلست بر ضعف [illegible]
و کسادی بازار [illegible] عطارد دلیلست بر ضعف حال [illegible] اطبا و [illegible]
[illegible] دلیلست بر ضعف عامه و [illegible] احکام شرف و هبوط کواکب زحل [illegible]
[illegible] ملوک [illegible] انسان [illegible] و هبوط او دلیلست
بر ضعف [illegible] و امراض [illegible] مردمان [illegible]
[illegible] دلیلست بر قوة حال اهل [illegible] تجار [illegible] و هبوط او دلیلست بر ضعف [illegible] و قضاة [illegible]
[illegible] انسان [illegible] دلیلست بر قوة حال امرا [illegible] مردم [illegible]

و هبوط او دلیلست بر ضعف امرا و عزل ایشان و گرفتاری دزدان و سرکردهای لشکریان و لولیان
در اقلیم سیوم آفتاب شرف او دلیلست بر قوت سلاطین و داد و عدل و اعتدال هوا و هبوط او
دلیلست بر تباهی حال سلاطین و کسادی پرده و ابریشمینه و تغیر هوا و سرما و مرض دل و دماغ و چشم
زهره شرف او دلیلست بر قوت حال خوابیدن و تندرستی اطفال و دختران و عزت اهل غنا و میل مردم بزینت
و مناکحت و هبوط او دلیلست بر ضعف حال حواس و مکر زنان و ملال اهل طرب و کسادی البسه و عطریات عطارد
شرف او دلیلست بر قوت عمال و کتاب و رواج تجارت و هبوط او دلیلست بر ضعف حال جماعه مذکوره و اختلاف هوا
قمر شرف او دلیلست بر رفاهیت عام و حکم اسعار کارها و هبوط او دلیلست بر سوء حال رعایا و هیچ کار را ابتدا
نباید کرد اوج و حضیض ستارگان عرفها اوج زحل دلیلست بر توجه ابنای قدیم و بزرگان و حضیض
او دلیلست بر خواری جماعه مذکوره و آفت پیران و بیخ مشایخ اوج مشتری دلیلست بر منزلت وزرا و عقله
و بیع تجار و حضیض او دلیلست بر عزل وزرا و رواج آلات حرب و گرانی جو و گندم و اوج مریخ دلیلست
بر ترقی حال امرا و لشکریان و عزت طوبار و رواج کردی و جرات دزدان و حضیض مریخ دلیلست بر ادبار
لشکریان و گرفتار شدن دزدان و دشمنان اوج آفتاب دلیلست بر ازدیاد جاه سلاطین و حکام
و حرارت هوا و بسیاری حزن و فرح حضیض آفتاب دلیلست بر ملال و حرص سروران و حکام و تنزل
احوال بزرگان و ظلم پادشاهی و حکام اوج زهره دلیلست بر رونق منسوبات او و رواج بازار
و حضیض او دلیلست بر ضد آن و بیماری دختران و زنان اوج عطارد دلیلست بر قوه حال
منسوبات او و حضیض او دلیلست بر ضعف و ابطال قلم احکام دوستی و دشمنی بروج بدانکه برجهای
آتشی دوستی دارند با برجهای بادی و برجهای آبی دوستی دارند با برجهای خاکی
و برجهای آتشی دشمنی دارند با برجهای آبی و برجهای بادی دشمنی دارند با برجهای خاکی
منسوبات کواکب سبعه ببین احوال قمر اصغرست و از فلک اول تا دنیا از اوست مزاج
او سرد و ترست و مؤنث و شبی و برنگ سبزی که بسفیدی زند مانند کرده وی و از جسمها
بصره دوی و از اعضا جانب چپ و معده و پستان و گردن و علق ماده و رود و از
طعوم شور و از بیماریها و از مردم و ساعیان و خلفا و ملکه و ادکان و حاجبان و پیکان
و رسولان و عامه و کودکان خرد و از عموم مردم حرف و حشم بلکه و از جوهرها مردم نظم و نکاح دارد
واز نباتها

و از نباتها دلیلست بر آنچه در روییدن نگاه دارند و از مواضع دلیلست بر ایالتها و از
دینها دلیلست بر پرستیدن آتش و سهم السعاده و منسوبست و از نیم ها اقلیم اول منسوبات
عطارد و هر کوکب که با مزاج و طبع او گردد از فلک دوم تا بود مزاج او سرد و خشک و باد
انگیزد و برنگ مختلف و از جسمها ذوق دارد و از اندام او دلیلست بر زبان و کام و دل و دماغ
و دماغ و از مردم دلیلست بر اصحاب و نوابان و عمال او و بر زیرکی و عقل و فهم و برشانه الا
و درستی بیش از بلوغ و از نباتها بر آنچه ساق ندارد و ماش و باقلا و کشنیز و از حیوانات
سگان شکاری و روباه و ابهر و از طیور طوطی و تیهو و از معادن کهربا و مهرها و زر جامعها غش
و از بیماری صرع و دیو انگی و ریختن موی و لکنت و وسواس و از مواضع دکان حکاکان و از دینها دین حکما
منسوبات سهم الغیب او و سعد اصغرست و از فلک سیوم تا بود سرد و ترست و مؤنث و شبی و برنگ سفید
روشن و از طعام چرب و شیرین که لذیذ بود و از خلطها رطوبت غریزی و از جسمها سنگهای خوشبو و از اعضا
آلات شهوت و رحم و گرده و چشم و ابرو و ساق و دست و سن بعد از بلوغ و از مردم دلیلست بر اهل
و زنان و جوانان و اهل طرب و خوشحال بود دلیلست بر مخنثان و مشاطگان و صورتها بر دیوارها
و صحنهای خوش و شیرین و انگور و سفالو و انجیر و خرما و از مرغان کبوتر و از جوهرها و ابریشمینه و از
مواضع سردابها و بستانها و سبزه زارها و از بیماری بلغمی و ضعف دل و دیو اسیر و دردمعده و از
حیوانات خرگوش و ماهی و فاخته و هزار و کبوتر و آنچه آوازش خوش بود و از دینها اسلام منسوبات
آفتاب او نیر اعظم است و سعد و بجرم نحس و از فلک چهارم تا بود گرم و خشک و مذکر و روزی و متوسط
میان علوی و سفلی و برنگ نارنجی درخشان و بطبع تیز و لطیف و از جسمها نیایی و از اندامها
جانب راست و از اوسینه و معده و دهان و چشم راست و از مردم دلیلست بر ملوک و حکام و در حالی
دلیلست بر و سا و پدران و از خوشها حرف و فهم و عظمت و همت عالی و از بیماریها بر امراض محرور
و خشکی و درد چشم و از نباتها نیشکر و ترنجبین و انار و شیرین و عسل و از معادن یاقوت و لعل و زر و الماس
و از حیوانات اسبان قیمتی و آهو و شتر و باز و شاهین و از مواضع معادن و قصرها و از آلات تاج و آلات
مرصع و جامههای نو و از دینها دین نصاری منسوبات مریخ نحس اصغرست و از فلک پنجم تا بود مزاج
گرم و خشک بافراط و مذکرست و روزی و بعضی گفته اند شبی است و بطبع تلخ تیز و برنگ سرخ و تیره

و از بویها بدبویی و از اعضا زهره و از مردم امرا و سپه داران و چون نحس بود دلالت کند بر اهل فتنه
و شرور و دزدان و معتمدان و خونیان و قصابان و از خویها شجاعت و دروغ و خلاف و از صور
مردم بالا بلند سر بزرگ اشقر سرخ موی و از سنگها کهربا و از نباتها درختان با خار و تلخ و تند
و انواع زهرها و از معادن مغناطیس و آهن و مس و اسلحه و از حیوانات گرگ و سگ و خوک و مار و عقرب
و از مواضع آتشکدهها و لشکرگاه و مطبخها و از بیماریها استسقا و حمله و شکستن اعضا و تب و جراحت
و امراض خونی و حاره و از جامهها البسه حریر از دینها آتش پرستی منسوب است مشتری
سعد اکبر است و از فلک ششم باشد و مزاج گرم و تر است و بطبع حیات و مذکر است و روزی و رنگ
نورانی زرد [illegible] بطبع شیرین [illegible] دلالت بر حکام عادل و سرها و قضاه و سادات و نجبا و خطبا
و چون نحس بود بر بزرگان و خود ستایان و از خویها پارسایی و امر معروف و نهی منکر و از سنگها
الماس [illegible] و از نباتات گندم و جو و برنج و نخود و گشنیز و پسته و از معادن زر و سیم و برنج و از
حیوانات هر آنچه خوردن آن حلال باشد و طاوس و طوطی و از مواضع مساجد و مدارس و [illegible] و از
صورتها صورت نیک و از اندامها مغز و جگر و حلقوم و از سنها کهولت و از جهات [illegible] و از لباسها آنچه
کبود بود و عالمان پوشند و جامههای پاکیزه و از دینها [illegible] و از علوم [illegible] منسوب است زحل
نحس اکبر است و از فلک هفتم باشد سرد و خشک [illegible] و مزاج [illegible] و مذکر است و روزی
و بطبع ترش و رنگ سیاه و بوی ناخوش و از مردم مردمان قدیم و قلعه داران و دزدان و اگر به حال
بود دلالت بر زاهدان [illegible] و بندگان و مزدوران و [illegible] و از اعضا سپرز و [illegible]
و [illegible] و از بیماریها [illegible] و از خویها جهل و بخل و کاهلی و از صورتها سر بزرگ بلند
آهو و از سنها پیری و آبا و از حیوانات آنچه بارکش باشند و شتر مرغ و عقاب و کلاغ و بوم و [illegible]
و [illegible] و از جامهها [illegible] و از نباتات عقاقیر و [illegible] و داروهای قابض و از معادن سرب [illegible]
و آهن و از مواضع کوهها و چاههای بلند [illegible] و گورستان و از دینها دین یهود در قسمت دوازده
برج [illegible] کواکب [illegible] ماه و آفتاب را هر یک یک خانه داده اند و پنج [illegible] را هر یکی دو خانه داده
این قاعده بر آن است که آفتاب پادشاه سیاره است و اسد پادشاه بروج [illegible] و مزاج آفتاب [illegible] شرف [illegible]
[illegible] ماه [illegible] برج سرطان [illegible] دو برج [illegible]

دو برج مشتری

و دو برج مشتری داده اند از اول اسد تا آخر جدی با آفتاب داده اند و گشید حیز آفتاب از اول
دلو تا آخر سرطان بماه داده اند و گشید حیز [illegible] و حیز را [illegible] از حیز آفتاب
و ماه یک خانه [illegible] و مشتری را [illegible] آفتاب حوت [illegible] ماه و مریخ را [illegible] آفتاب حمل [illegible]
و زهره را میزان [illegible] آفتاب و ثور از ماه و عطارد را [illegible] آفتاب جوزا از ماه [illegible]
[illegible] سعادت و نحوست کواکب [illegible] اقسام معلوم شود [illegible] هر دو خانه [illegible] مقابله [illegible]
زحل نحس اکبر است [illegible] و مشتری نور [illegible] و خانهها [illegible] و خانههای مشتری [illegible]
خانهها [illegible] تثلیث [illegible] دوستی و سعادت و مشتری سعد اکبر است [illegible] عطارد و مشتری [illegible]
که خانههای [illegible] عطارد کوکب [illegible] و مشتری [illegible] و خانههای مشتری [illegible] خانههای
[illegible] نحس [illegible] مقابله [illegible] مریخ نحس [illegible]
و دیگر آنکه مریخ [illegible] خشم و قهر [illegible] و زهره کوکب لطافت و صلح و نشاط و خرمی [illegible]
[illegible] خانهای [illegible] عطارد [illegible] آفتاب [illegible]
[illegible] کوکب [illegible] آفتاب [illegible] در حیز ماه [illegible]
[illegible] سعادت و نحوست [illegible] آفتاب [illegible]
حدود الاوضاع کواکب در صورهٔ [illegible] نظر [illegible] کوکبی در خط کوکبی [illegible]
یا شرف یا مثلثه یا حد یا وجه یا صاحب آن خط اتصال کند [illegible] کوکب [illegible] در خط [illegible]
[illegible] نظر [illegible] کوکبی [illegible] یا هبوط یا احتراق
[illegible] آن کوکب [illegible] از ضعف [illegible] قوت [illegible] حکم [illegible]
[illegible] آنست که کوکب در خط [illegible] صاحب خط [illegible] و اگر هر دو [illegible]
هر یک دیگر را [illegible] قوت [illegible] زهره در حوت [illegible] در شرف [illegible] در سرطان [illegible]
[illegible] دفع طبیعت [illegible] کوکبی در خط کوکبی
[illegible] دیگر در خط [illegible] و [illegible] دفع قوت [illegible]
[illegible] کوکبی دیگر را [illegible] از خانه [illegible] هبوط [illegible] و اگر هر دو [illegible] هبوط باشند

انکار از جانبین است و این ضد دفع طبیعه است و حکمش نیز ضد آنست نقل النور آنست که کوکبی
سبک رو که از او را ببیند پس نور کوکب اول ثانی دهد اگر چه این دو کوکب از یکدیگر ساقط باشند و این
بمثابه اتصال بود میان آن دو کوکب مثلا کوکبی در حمل و دیگری در عقرب و کوکبی سبک رو تر از هر دو
در سرطان یا اسد پس اول آن کوکب را ببیند که در حمل است و هنوز از آن منصرف نشده آن را ببیند که در
عقرب پس نور اول را بدو نماید و ده باب **انتکاث** آنست که کوکبی سبک رو خواهد که بکوکبی گران
رو را ببیند پس کوکبی گران رسیده باشد کوکب راجع کرد **فایده** بکوبت تم قول اغلب اصل این فن [illegible]
آمدن او بهر برجی که در آن سال و آن برج منحسف شود و ربیع و مقابله آن برج ۲ محل الشعاع که آن را احتراق
گویند که هیچ سخن نشود مگر کلمش و پنهان کردن و اخفای امور هیچ بر مقابله آفتاب چرا که دعوه است و البته
برخی همه و محالو با زیر دستان ۳ بطی السیر چنانکه سیر او در یک شبانروز کمتر از دوازده درجه باشد و این دلیل
بر تعویق و توقف کارها ۴ در طریق محترقه که از نوزده درجه میزان بود تا سه درجه عقرب و در این وقت
هیچ کار نشاید کردن ۶ با کوکب نحس بود یا در نظر نحس ۷ چون از استار سوی جنوب آید ۸ چون در افواه تنین
زحل یا مریخ بود ۹ در آخر برج که حد کواکب نحس اند ۱۰ ساقط او از وسط السماء و این بعلم احکام طالع وار
۱۱ کم از بخت بر گردد و بخشی دیگر شوند و این را اوقات [illegible] خواهند **در بیان** [illegible]
بدانکه هر برجی را از سی و دوازده برج درجاتی که بعضی را نیره و مظلمه خوانند و بعضی را مظلم و [illegible] و بعضی
قیمه و بعضی را سعد و بعضی را نحس و آن نیرها که با تمامی نحس دانسته اند آثار کوهد و [illegible] احوال در دار
اینست درجات سعد از حمل ۱۰ و ۱۹ از ثور ۳ و ۷ از جوزا ۱۵ و ۲۰ از سرطان ۱ و ۲ و ۳ و ۱۴ و
از اسد ۵ و ۷ و ۱۷ و از سنبله ۲ و ۱۲ و ۱۵ و ۲۰ و از میزان ۳ و ۵ و ۲۱ و ۲۲ از عقرب ۱۲ و ۲۰
و از قوس ۱۳ و ۲۰ و ۲۳ و از جدی ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۴ و از دلو ۸ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۰ و از حوت
۱۲ و ۲۰ و ۲۷ درجات نحس که آنها را آبار خوانند

حمل ۵ و ۶ و ۱۵ و ۱۷ و ۲۳ و ۲۹ — ثور ۶ و ۵ و ۸ و ۱۳ و ۱۸
جوزا ۲ و ۱۲ و ۱۷ و ۲۶ و ۳۰ — سرطان ۱۲ و ۱۷ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ و ۳۰ — اسد ۶ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ — سنبله ۷ و ۸ و ۱۶ و ۲۶
میزان ۱ و ۷ و ۲۰ و ۳۰ — عقرب ۹ و ۱۰ و ۲۲ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ — قوس ۷ و ۱۲ و ۱۷ و ۲۴ و ۲۶ و ۳۰ و ۲۹
دلو ۱ و ۷ و ۱۲ و ۲۶ و ۲۲ — جدی ۷ و ۹ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۸ — حوت ۲ و ۳ و ۴ و ۷ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۷

پس اگر این درجات طالع باشد منحوس بود

حکم کن

۲۷

حکم بجب آن باید کرد و در اختیارات نشاید که طالع وقت باشد و در این درجهای **جدول**
منسوبات بروج بتفصیل منسوبات **حمل** بمزاج گرم و خشک بطبع آتش و مذکر و روزی و شرقی و
منقلب و از مردمان دلیل بر ملوک و سپاهیان و اگر منحوس بود دلیل بر دزدان و عیاران و عقابان و ظالمان
و از جواهر رحس و آهن و از مواضع و آتشخانها و کوهها و بر معادن و در ایلی و حیوانات سم شکافنده
و بر ملوک و ادویه حاره و بر سر و روی و سرخ و کلفی و **منسوبات ثور** بمزاج سرد و خشک بطبع خاک
و مونث و شبی و جنوبی و ثابت رنگ سفید و روشن و از مردم بزرگان و ملکی و مزرع و خواتین و مطربان و خیمه
به حال بود و دلیل بر مال داران و مطربان و مردم احمق و از بنا تها آنچه سبز بود و از مواضع سراها و بستانها و کشت
زارها و هر جا که کوه نزدیک بود و از حیوانات گاو میش و بقر و کبوتر و فاخته و از اعضا گردن و حلق و
و عصها و از بیماری درد حلق و آنچه را طراوت کردن حادث شود **منسوبات جوزا** برج جوزا بمزاج گرم و تر است
بادی و بهاری و مذکر و روزی و ذو جسدین و منوبه و از مردم دلیل بر اهل دیوان و فضلا و حکما و خطاطان
و نقاشان و دبیران و تجار و عمال و منصرفان و شعرا و چون به حال بود دلیل بر درختان عالی و میوهای معتدل
و انواع داروها و کوهها و غارها و دیوارها و کلاهها و ... و بر جوانمردی و دواب و آنچه از
پرنده با آدمی الفت دارد و از اعضا دستها و ... و **منسوبات سرطان** بمزاج سرد و تر
بطبع آب و آب نباتی و منقلب و ... دلیل بر ملکزادگان و غواصان و اگر به حال بود بر جاهلان و سفلگان
و بر دریاها و حوضها و از نباتات بر آنچه از میان آب بر آید و از جواهر مروارید و مرجان و بر کرم سحی و
دنادت و بر سینه و پستان و معده و بر برص و سستی و بر حیوانات بحری و برج سرطان **منسوبات اسد**
بمزاج گرم و خشک بطبع آتش و شرقی و ثابت و رنگ سرخ و از مردم دلیل بر ملوک و حکام و حرامیان و اگر
به حال بود دلیل بر آتشکاران و شکارگاهها و قصرها و بر جانوران شکاری درنده و اما منسوبهای آن بر آبها ...
و بر جهانبانی و آواز است **منسوبات سنبله** بمزاج سرد و خشک بطبع خاک و مونث و ثور و ذو جسدین و دلیل
بر وزرا و اهل قلم و اگر به حال بود دلیل بر دلالان و جامه بافان و بر جنس گفتاری و لطیفه گویی و از نباتات بر حبوب
و سرد و انجالها و برادری و از زرع و بر علا و بلند آواز است **منسوبات میزان** بمزاج گرم و تر و مشرقی
و منقلب و مذکر ... و دلیل بر مردم صاحب صاد با خرد و خوش رو و اگر به حال دلیل بر اهل فساد
و بر سخاوه و راستی و بر تماشاگاهها و بر میوهای شیرین و بر ناف و رحم و بر لواسیر و دق **منسوبات**
عقرب سرد و تر است و ثابت و شمالی و دلیل بر اهل جنگ و اگر به حال دلیل بر دزدان و علمای
و بر جزایر و مرغابی و بر جانوران موذی و آبها و بر سینه و حبس بول و برج گلفند و [illegible]

مثوبات قوس گرم و خشک و آتشی و تربیت و مذکر و روزی و دلیلست بر ائمه و قضاة و معلما و اگر در حال بود
بر نبایان و زرگران و بر نقص کردن و بر مواضع عبادات و بر رزق و بوم و میوهای حسن و انگور و اسب
و شتر و بر ایشان و رکها و بر افتادن از ستوران و زخم خوردن مثوبات جدی سرد و خشک و لطبع
خاک و جنوبیست و ستاره و مؤنث منقلب و کشتی و دلیلست بر قلعه داران و ... و اگر در حال بود دلیلست بر کله باطل
و دروغ گفتن و امساک و بر قلعها و بر کیاهها که حیوان خورد و بر بزها و چنانچه طبیعی برزاند و بر کوه ...
مثوبات دلو گرم و تر و ستاره و ثابت و مؤنث دلیلست بر بزرگان قوم و حواکمان و عقلا
و اگر در حال بود دلیلست بر غم خوابان و ... و آتش و بر قبرستان و طواحین و محل ... و حیوان
و غمها و بر حیله و حار ... و بر سنجاب و ... و بر جواهر و بر باد ... و سواس و اعادان از مواضع
مثوبات حوت سرد و تر است و شمالی و مؤنث و ... و ... دلیلست بر علما و اهل دانش و اگر
در حال بود دلیلست بر عقلا و حکیمان و ملاحان و بر دریا و ... و بر سخاوت و میوهای لطیف و ...
آب و بر سر و پا و بیماری ... و اصلاح و ... عصمها و برجی کنگ است جدول احکام اتصالات قمر
اتصال زحل مقارنه قرع است ... اثر ... و بنا نهادن ... خلوت کردن ... صلب کردن
کردن و ... مقابله ... اتصال مشتری ... دیدار سادات و طلب مهمات است
سیاه کردن ... و سرود ... و زراعت نیک طلب عاری و حقوق ... مختار است و ... طلب ... حوردن
و دعاوی و مناظره و ... و ... اتصال مریخ ... نیک ... و بر ... و دیگر ... است
و دیدار امرا و حکام و ... و حرب ... تزویج ... مختار است و ... امرا و ...
که نشاید کاری که ... اتصال شمس ... کارهای ... نیک ... دیدار ملوک و طلب حوائج
زراعت ... ابتدای هر کاری که هیچ کار را ... اتصال زهره ...
... و طلب مهمات و تزویج ... تجارت ... و ... عمارت
و بنا ... اتصال عطارد ... نیک دیدار دبیران و اهل علم ...
و تجارت ... نیک ... ابتدای ... و ... و ... هر کارها
جدول احکام حالات قمر ... و زراعت و نکاح و بیع و ... و ...
هیچ کاری ... و ... و ... و ... و ...
و ... الذنب هیچ کاری ... و ... زراعت ... الاقمار
نیک

... زراعات ... هیچ کار نشاید الا ... و ... الطبع
... طلب حوائج و معاملات ... و ... ساعات مبارک ... و ... طلب ...
... هیچ کارها ... مختار است ... بزرگان ... و تزویج ... و ... محسوب ...
هیچ کار نشاید مگر قتل و سیاست و عمارت و عداوه جدول اختلاجات اعضاء علی کون الوقوف الروح

جنبش سر	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
	اقبال	یار	یار	حرب	اقبال	ولایه	هدیه	یار	یار	سعادت	عزت	دولت
پیشانی	همت	مضرت	نعمت	دولت	عز	دیدار ملوک	جاه	اقبال	کراهه	سو	خرج	جاه
حم ابرو	نعمت	نعمت	دولت	دیدار ملوک	جاه	میراث	عز	دولت	سعادت	میراث	میراث	عزت
گوش	دولت	میراث	حبز	هدیه	میراث	سوء حال	میراث	جاه	سعادت	سعادت	عزی	
روی	سعادت	یار	شاره	نعمت	خوف	دولت	یار	یار	دولت	رعب	دولت	راحت
کام و زبان	اقبال	راحت	کراهه	سلامه	دولت	ظفر	کراهه	کراهه	ریاسه	عز	هدیه	سعادت
بینی	جاه	عز	میراث	کراهه	هدیه	عمل	رعب	عز	ولایه	خصومه	سعادت	رعب
گردن و سینه	نجف	مرار	ظفر	خلعت	هدیه	نعمت	همت	رعب	روح	بشارت	روح	ظفر
جنبش	رنج	هدیه	عز	بشارت	خلعت	حرکه	مدره	اقبال	حرکه	اقبال	شغل	میراث
شکم	عماره	راحة	جاه	میراث	سفر	امن	میراث	سعادت	میراث	حکمه	هدیه	بشارت
پهلو	حرکه	روح	امنی	دولت	روح	یار	عز	حبز	بشاره	هدیه	میراث	جاه
پشت	منفعه	راحه	فطرت	میراث	هدیه	تزویج	حبز	تحویل	روح	بحر		
شغل	میراث	بهجت	امن	حرمت	تزویج	حرقه	عز	اقبال	جاه	حرکه	اقبال	عز
کعب پای	همت	حبز	میراث	نعمت	هدیه	منشاره	مهمانی	تزویج	آمدن غایب	یار	عز	یار
زانو	کارنو	خصومت	هدیه	سفر	راحت	بشارت	راحت	تحویل	جاه	شرکت	تزویج	نعمت
انگشتان	ریاست	ریاست	امن	شغل	ریاست	حبز	سعادت	حرکه	فرح	اقبال	دولت	ظفر
جنبش تن	تفریح	بنیه	جاه	عز	مهمانی	کارنو	هدیه	نعمت	یار	امن	هدیه	نعمت

جدول احکام قوس قزح ... و ... هند معتبر دارند و چون ظاهر گردد در مشرق یا در مغرب و حکم ...
... اگر ... دلیلست ... و فراخی نعمت و اگر ... دلیلست بیماری ...
ستوران ... سود ... موضع آمدن ... حساب کرده ...

جنوب — مشرق — مغرب — شمال
آمدن اعدا — و با و بیماری — ... — فتنه و جنگ
... سود — و با و بیماری — آ... — ...
... — فراخی نعمت — ... — ...
آمد ... — ... — امن و عدل — ... اصلاح
آمدن کشتی — فراخی نعمت

جدول منسوبات بروج در خصایص هر یک

مریخ زهره عطارد قمر شمس مشتری زحل
بیوت کواکب: حمل و عقرب، ثور و میزان، جوزا و سنبله، سرطان، اسد، قوس و حوت، جدی و دلو
وبال کواکب

مریخ زهره عطارد قمر شمس مشتری زحل
شرف کواکب: جدی، حوت، سنبله، ثور، حمل، سرطان، میزان
شمس قمر الراس مشتری خالی عطارد زحل خالی ذنب مریخ خالی زهره
هبوط کواکب: حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت
زحل خالی ذنب مریخ خالی زهره شمس قمر راس مشتری خالی عطارد
اوج کواکب: حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت
حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت
حضیض کواکب: خالی خالی زهره شمس مریخ خالی مشتری عطارد زحل خالی خالی خالی
حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت
انقلاب بروج: مشتری عطارد زحل خالی خالی خالی خالی خالی زهره شمس مریخ

منقلب — ثابت — ذوجسدین
دلالت طبایع: حمل و سرطان و میزان و جدی — ثور و اسد و عقرب و دلو — جوزا و سنبله و قوس و حوت

ناری — هوائی — آبی — خاکی
دلالت شرقی و غربی: حمل و اسد و قوس — جوزا و میزان و دلو — سرطان و عقرب و حوت — ثور و سنبله و جدی

شرقی — جنوبی — غربی — شمالی
دلالت مزاج: حمل و اسد و قوس — جوزا و میزان و دلو — ثور و سنبله و جدی — سرطان و عقرب و حوت

گرم و خشک — سرد و خشک — گرم و تر — سرد و تر
دلالت بر نر و ماده: حمل و اسد و قوس — ثور و سنبله و جدی — جوزا و میزان و دلو — سرطان و عقرب و حوت

نر — ماده
دلالت بر روز و شب: حمل و جوزا و اسد و میزان و قوس و دلو — ثور و سرطان و سنبله و عقرب و جدی و حوت

لیلی — نهاری
حمل و جوزا و اسد و میزان و قوس و دلو

نامهای جدول منسوبات کواکب سبعه سیاره
زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
سعد و نحس: کیوان، هرمز / برجیس، بهرام، مهر، ناهید، تیر، ماه
زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
طبایع: نحس اکبر، سعد اکبر، نحس اصغر، سعد لطف، سعد اصغر، ممتزج، سعد
سرد و خشک — گرم و تر — گرم و خشک — سرد و تر
زحل و عطارد — مشتری و زهره — مریخ و شمس — قمر

الوان کواکب

الوان کواکب
زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
دودی و سیاه: سفید و زرد، سرخ و سیاه، سرخ و زرد، سفید، ابلق، سفید و سرخ

مذکر و مؤنث: زحل و مشتری و عطارد و شمس — مریخ و زهره و قمر

نحوست: زحل و مشتری و مریخ و شمس — زهره و عطارد و قمر
اعضای کواکب
زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
گوش راست، گوش چپ، جگر و شکم، دل و دماغ، سینه و پستان، دهان و زبان، موی
جواهر کواکب
زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
آهن، ارزیز، مس، طلا و یاقوت، مروارید، ارزیر، نقره
فرح کواکب
زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
۱۲ دوازدهم، ۱۱، ۶، ۹، ۵، طالع، ۳
فرج کواکب
زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
۶، ۵، دوازدهم، ندارد، نهم و دهم، دوم و دوازدهم، ندارد
ملت کواکب
زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
یهودان، ترسایان، بت‌پرستان، آتش‌پرستان، مسلمانان، فلاسفه، بی‌مذهبان

جدول در معرفت کواکب و بروج دوازده گانه
تمت الرساله فی دار العلم شیراز
یوم الثلاثاء [illegible] رمضان المبارک ۱۰۴۱
[illegible]

[illegible]

بيار
ست
بن

... بيهرى در نهم طالع با بزرگان و تجار
مخالطت كند و مهترى يابد اما نقصان در مالش واقع شود و زمين واملاك
واسباب بدست آورد و از شركت فائده يابد و مشهور گردد و بزرگ همت بود
مشترى در يازدهم طالع بود از دوستان خرم شود و مراد دوست و نكهت بسيار
باشند و زن كند و فرزندش آيد و از مايه و نكته خرم شود و مال بدست آورد
و با بزرگان مخالطت كند و از بيمارى زود صحت يابد مشترى در دوازدهم
طالع بود بعضى با وى دشمنى كند و بزرگان در بند قصد او باشند اما ظفر يابند
و خرج از دخلش زياده بود و سفر دورش واقع شود و غم بسيار برد و صحبت معارف
و اسراف محترز باشد احكام مريخ در بيوت طالع در اول بود از آتش و آهن آفتى
بوى رسد و با مردم بى سببى منازعت كند و نقل و تحويل كند و بى ديانت باشد و زود
خشم گيرد و سخت دل بود و تند مزاج بود و سخت سخن و با زنان خصومت كند و مشغلى
در دوم طالع باشد ميان برادركان غم يابد و خصومت ابدا ارد و مال بيهوده تلف كند اندوه
كس بود و باشد كه در دو ... يابد و ماليان و اشغال ... يابد و با مردم شرير
و لشكرى مخالطت كند در سوم طالع باشد كه كس ... بود ميان او و برادران
و خويشان سختى و خصومت پيدا شود و صله ... كند و ... بزرگان

عطا ودايم الله طال تشوقي
اليك لعلى ان اراك فاغنما
فها انا ذا فامدد في حيوتي وقوتي
لادرك كل الغامضات فافهما
واهوى بك السعود والخير كله
بامر الرخالق الارض الارض ...

بد احکام مشتری در بیوت طالع چون مشتری در نهم طالع بود دلیل است بر سفر بسیار
و فایده تمام یابد و در غربت نما نهند و با بزرگان مخالطت کند و در اعتقاد درست
بود و دین دار و سخنش مقبول بود و در علم ظاهر کوشد و اگر مشتری در این
خانه غریب بود خوابهای آشفته بیند مشتری در دهم طالع با بزرگان و معارف
مخالطت کند و مهتری یابد اما نقصان در مالش واقع شود و زمین و املاک
و اسباب بدست آورد و از شرکت فایده بیند و مشهور گردد و بزرگ همت بود
مشتری در یازدهم طالع بود از دوستان خرم گردد و مراد دوست و نکوهت بسیار
باشند و زن گیرد و فرزندش آید و از مایه و نکته خرم گردد و بال برکت آورد
و با بزرگان مخالطت کند و از بیماری زود صحت یابد مشتری در دوازدهم
طالع بود بعضی با وی دشمنی کنند و بزرگان در بند فضل او باشند اما طمع باشند
و خرج از دخلش زیاده بود و سفر دور کند و اوج سعد و غم بسیار برد و صحبت معارف
و اشراف محترز باشد احکام مریخ در بیوت طالع در اول بود از آتش و آهن آفتی
بوی رسد و با مردم بی سببی منازعت کند و نقل و تحویل کند و بی دیانت باشد و زود
خشم گیرد و سخت دل بود و تند مزاج بود و سخت تن و با زنان خصومت کند و مشغول
در دوم طالع باشد میان بزرگان حکم کند و خصومت اندازد و مال بیهوده تلف کند اندوه
کش بود و باشد که دردی رسد و با عمال و اشغال همه مهام نماید و با مردم شهر و
لشکری مخالطت کند در سوم طالع باشد کوشش مفلح بود در میان او و برادران
و خویشان سختی و خصومت پیدا شود و صله رحم بسیار کند و نیکی بزرگان